

جلوس میمنت مانوس آن خدیو والاشان بر اورنگ پادشاهی و قرار یافتن حق بر کز خود  
بعون و تائید الهی نگاشته کذک محبت سلك والاشده بود ، سمت وصول و ورود یافته ،  
بانت شکفتن شکوفه های شکفتگی در حدیقه خاطر و موجب طراوت و نضرت چمن (۱) همیشه بهار  
باطن و ظاهر گردید و فی الحقیقه با ولایت و استحقاق آن پرازنده سریر و افسر بفرمان  
فرمایی آن دیار ، درین وقت که این خبر بهجت اثر سامعه افروز گردید و این نوید  
فرح بختا بمسامع دوستان رسید ، نه بحدی انبساط و انتعاش در طبع اقدس حاصل شد ،  
که بدستگیری خاتمه و توسط نامه ، سمت اعلان و صورت اظهار و بیان تواند یافت و قبل از  
وصول مکتوب گرامی ، که بوساطت ایوان کانشکین ، ابشیک و کیل آن دولت ابد مدت  
معلوه رای جهان آرای همایون گردید ، از غایت محبت با بلاغ نامه مشکین خاتمه و تهنیت  
و تبریک جلوس سعادت مانوس شاهی پرداختیم . ان شاء الله تاج و دیهیم سلطنت بر تارک  
شریف مبارک و ایام جهاننداری و جهانبازی با بود و خلود مقرون باد و این که مرقوم قلم  
دوستی شیم شده بود که : شرایط دوستی و محبت نسبت با این دولت جاوید مدت بهتر و بیشتر  
از ایام سلف مرعی و منظور خواهد بود ، هر چند قبل ازین از آن طرف ، که بسبب  
بی اهمیتی و سهل انگاری کار گزاران (۲) ساله ، که متکمل امور آن دولت می بودند ،  
لوازم دوستی چنانکه مکنون خاطر و مقصود ضمیر مقدس بود بعمل نیامد ، لیکن از آنجا  
که بادرلت علیه رومیه حرف دوستی بیان آمده و از آن رهگذرها چندان قیاری بر  
خاطر خورشید مظاهر راه ندادیم . حال که بحمدالله سریر دولت موروثی بوجود مسعود  
آن حضرت مزین گشته این مطلب بالکلیه زنک زدای کلفت و موجب احیای راه و رسم  
الفت گردید . معلومست که بحامد ذات خجسته آیات گرامی در هر باب شیوه اتلاف  
مرعی و ملحوظ و کشور مودت را از دست انداز تطاول فتن و فتور محفوظ خواهند داشت  
و شرحی که مستبشر تفویض شغل و کالت آن دیار حضرت مدار با ایوان کانشکین بدستور  
سابق و توثیق او در امور بین الدولین نوشته بودند و کیل مزبور درین مدت لوازم  
دولت خواهی بظهور آورده ، بهر جهت منظور انظار عنایات شهنشاهانه می باشد و درین  
اوان ، که از جانب نیکو جوانب آن پادشاه و الاجاه تجدید و امضای شغل و کار خودسر  
افرازی یافته است ، البته زیاده بر سابق او را محل اعتماد آن دولت خواهیم دانست .  
طریقه مرضیه آنکه پیوسته بر اسلالت دوستانه ابواب مودت مفتوح باشد .

## جزئیات وقایع گرجستان درین دوره

در آثار تاریخ نویسان ایرانی درباره جزئیات وقایع کسه درین دوره از زمان

(۱) در اصل : چون (۲) در اصل کار گزاران .

آقا محمدخان تا پایان جنگ اول ایران با روسیه در گرجستان که مهم ترین مرکز حوادث قفقاز و شمال غربی ایران بوده است روی داده اثری نیست . ناچار باید بمنابع گرجی رجوع کرد که درباره حوادث این روزگار دقیق ترست . بهترین کتابی که درین زمینه در دسترس کتابتست که م . بروسه مورخ معروف روسی بزبان فرانسه نوشته و در سه مجلد بزرگ در سن پترزبورگ در ۱۸۵۱ و ۱۸۵۶ و ۱۸۵۷ چاپ کرده است (۱) .

در مجلد دوم این کتاب پس از آنکه ترجمه متون گرجی را چاپ کرده از روی اسنادی که از گرجستان اشخاص مختلف برای او فرستاده اند دنباله وقایعی را که پس از تالیف متون اصلی روی داده است از صحیفه ۲۲۸ تا ۳۳۴ نوشته است و از صحیفه ۲۶۰ بعد مربوط بدوره قاجارهاست و ترجمه حوادثی که با تاریخ ایران پیوستگی دارد بدین گونه است :

در ۱۷۹۵ میلادی (۱۲۰۹ ق .) آقا محمدخان در ماه مه (ماه شوال) شهر شوشی را محاصره کرد زیرا که ابراهیم خان پسر فناخان حکمران آن شهر بر او برخاسته بود . چهار ماه این شهر در محاصره بود و چون بسیار محکم بود نتوانست آنرا بگیرد . در همان زمان قزاقان از ترس حمله او گریختند و بسرزمین کرتیل آمدند . در همان زمان یولون (۲) و آلکساندره پسران پادشاه گرجستان چون بگنجه لشکر کشیده و در آنجا تاخت و ساز کرده بودند آقا محمد خان بسیار درخشم شد زیرا که جوادخان پسر شاهوردی خان چون بکنار رودارس پیشوازوی رفت و وی باو احترام بسیار کرد و حتی او را عم خود خواند جوادخان بوی شکوه برد و او را برانگیخت بکرتیل حمله ببرد . بدین گونه سبب حمله آقا محمد خان نه تنها نافرمانی اراکلی پادشاه گرجستان بوده بلکه این حمله شهر گنجه بوده است .

درین زمان سولومون (۳) پسر ارچیل (۴) پادشاه ایمرت در تفلیس نزد پدر بزرگش بود . آقا محمد خان وارد گرجستان شد و در کنار رود آق ستافا (۵) در سرزمین قزاقان لشکرگاه ساخت . بنه خود را در آنجا گذاشت و باسی و پنج هزار تن لشکریان سبک اسلحه بتفلیس حمله برد . اراکلی از دولت روسیه یاری خواسته بود اما لشکریان روسی بموقع بیاری او نرسیدند و تنها پادشاه ایمرت سپاهیان بیاری او فرستاد . اراکلی در آن زمان در سوقان لوح در ساحل راست رود کور بود و سولومون نیز همراه وی بود . وی رئیس پیشخدمتان خود گرجاسپ نا تالیشوبلی را با دوازده سوار برگزیده پیش آهنگی فرستاد

M . Brosset-Histoire de la Géorgie , 3 vol . Saint - Pétersbourg (۱)

Artchil (۴) Sololmon (۳) Ioulon (۲) 1851, 1856, 1857

Aghstapha (۵)

وایشان بیشتازان ایرانی برخوردند. پس از جنگ دلیرانه‌ای داوید طاراشویلی و چند تن دیگر کشته شدند.

پس از آن آقا محمدخان سوتان لوخ را لشکر گاه خود ساخت و نخستین روز لشکر بان ایرانی و گرجی در کرتسانیس (۱) باهم زدو خورد کردند. داوید شاهزاده گرجستان و نوه پادشاه با ایوانه (۲) شاهزاده موخران (۳) و زوراب تزرئیل (۴) و او طار (۵) امیر آخر و زکریا اندرونیکاشویلی در آن جنگ شرکت کردند. در نتیجه دلآوری ایشان سپاهیان ایران شکست خوردند.

فردای آن روز چون مردم ایبرت مردم تفلیس را که از شهر بیرون آمده بودند غارت کردند دو پادشاه نتوانستند بیش از دو هزار و پانصد تن از شهر بیدان جنگ ببرند. در جنگی که در دشت کرتسانیس در گرفت مردم کرتیل و ایبرت شکست خوردند و دو پادشاه گریختند و روز سه شنبه ۱۱ سپتامبر ۱۷۹۵ (۲۶ صفر ۱۲۱۰) ایرانیان شهر تفلیس را گرفتند و توپخانه پادشاه گرجستان را نابود کردند. برخی تاریخ این جنگ را دوشنبه یازدهم نوشته‌اند ولی تاریخ درست همان روز سه شنبه است. بنا بر شرحی که یکی از کشیشان ارمنی نوشته جنگ دوم که در میان کوچور و کرتسانیس در گرفته در ۱۴ سپتامبر (۲۹ صفر) روی داده است و سپس شهر را گرفته‌اند و از کتلی ۲۵ روز بعد بنفیس برگشته است.

در روز ۱۱ سپتامبر ایوانه نوه شاه، داوید منچایل، جاندر جاندریشویلی (۶) و سینجیا از سران گرجستان دلیرانه جنگ کرده‌اند و اگر دلآوری ایشان نبود پادشاه گرجستان در دروازه شهر اسیر می‌شد و وی را بزو باولا بار بردند. اما شاهزاده داوید چون نمی‌خواست توپهايش که در کنار کوه طاپورجا داده بود بدست لشکر بان ایران بیفتد آنها را بدوره ساگسوبارانداخت. ناچار سپهیان ایران تفلیس را گسرتند و همه داوایی پادشاه گرجستان را تاراج کردند. از آن جمله بسازوی اوستاش (۷) از شهدای نصارای گرجستان بود که در کاخ شاهی جاداده بودند و بری آن مجزه قایل بودند و نیز تمثال معروفی از مریم بود.

شهر تفلیس را آتش زدند و عده بسیاری را اسیر کردند. آقا محمدخان هشت روز در سوتان لوخ ماند. پادشاه گرجستان بمتیولت (۸) در آرگوی گریخت. چون ایبرت خبر با آقا محمدخان رسید هشت هزار تن از لشکر بان خود را بفرماندهی کپه‌لی خن حکمران

---

Zourab Tséréthel (۵) Moukhran (۳) Ioané (۲) Crtsanis (۱)  
Eustache (۷) Djandier Djandierichwili (۶) Othar (۵)  
Mthiouleth (۸)

نخچوان روانه کرد و آقا جان کولمانیشویلی (۱) را که سازن شاه گرجستان بود و در تغلیس اسیر شده بود برای راهنمایی با ایشان همراه کرد و دستور داد پادشاه رادو متبولست گرفتار کنند. چون بمتزخت رسیدند کلبعلی خان لشکریان را بدو قسمت کرد، يك دسته را بگوری فرستاد و بادسته دیگر خود از راه ساگورامو (۲) بآراگوی تاخت. چون بچینوان رسید علی سلطان از مردم شامشادین سیصد سوار از کسان خود گرد آورد و با دو پست تن از مردم کنار رود آراگوی و دیگران بر لشکریان ایران تاختند و ایشان را در بولاچاتور پس نشانند. دسته ای که بگوری رفته بودند در کوه کورناک با پشیک آفاسی باشی طهماسب قافلانیسویلی برخوردند و وی ایشان را برهنه کرد و برگرداند. درین چنگ دو برادر زال و طلانا نیز بایشویلی با دو تن از لرگیان دلاوری کردند و زن طهماسب را از خطر رها کردند. اما زنان ایوانه چو چتیا شویلی و دیگران اسیر شدند. چون با این همه لشکریان ایران می خواستند بکسان (۳) بروند در لامیس کانا با ایوانه نوه شاه برخوردند که این ناحیه در دست وی و کسانش بود و با اندک عده ای ایشان را شکست داد و گریزانند. آقا محمدخان هم چنان در سوقان اراخ بود و پادشاه گرجستان را بصلح دعوت کرد باو وعده کرده همه کسانی را که در تغلیس اسیر کرده است آزاد کند و قهرمان پسر میرزا گورژینا را که در شهر اسیر شده بود نزد وی فرستاد. چون وی بآراگوی رسید پادشاه تکلیف کرد پیشنهادهای آقا محمدخان را بپذیرد و پادشاه هم سفره چی کیخسرو آوالیشویلی را که از مردم کاخت بود نزد وی فرستاد. آقا محمد خان وی را بخوشرویی پذیرفت و گفت که اگر پادشاه تسلیم شود و بیکی از پسران خود را گروگان بدهد همه اسیرانی را که از تغلیس گرفته است آزادمی کند و آنچه را تاراج کرده است پس میدهد و بدینگونه وی را با این پیشنهادها از سرزمین قزاقان روانه کرد.

می خواست بل گاتخیلی خیدی را ویران کند اما کیخسرو او را ازین کار بازداشت. چون کیخسرو بنزد شاه روت و او را ازین کار خبر داد با آنکه مردم گرجستان می خواستند تسلیم آقا محمد خان شوند چون پادشاه از دورویی او باخبر بود و میدانست نمی تواند باو اعتماد کند از پذیرفتن عهد وی سر باز زد. و آننگهی چون از مدتی مدید مورد حمایت روسیه بود و با آن دولت عهد کرده بود بخواست با ایران اتحاد کند.

پیش از آن از کنت ایوان واسیلیچ گوداویچ (۴) فرمانده لشکریان قفقاز یاری خواسته بود و با دولت روسیه عهد نامه ای بسته بود که بموجب آن وعده صریح داده بودند که اگر دشمنی توانا برو حمله یبرد فرمانده لشکر قفقاز با او یاری خواهد کرد اما کنت درین زمان با او یاری نکرده بود.

(۱) Aghadjan Qoulémanichwili (۲) Sagouramo (۳) Ksan

(۴) Ivan Vassilitch Goudovitch

در تصرف تغلیس چند تن از کشیشان سویسون (۱) و ایوانه و اوژوفلی (۲) و خاریزا (۳) و چند تن زن و مرد را از مردم کرتیل و سومخت شهید کرده بودند. و درین میان آمبارد نیز (۴) از زنان تارک دنیا را بتبریز بردند و چون بوی تکلیف کردند دست از دین نصاری بشوید و وی زیر بار نمی رفت او را در کیسه ای کردند و کشتند و سرش را نه کردند و در همانجا که کشته بودند بخاک سپردند. سپس گرجیان معتقد بودند که بسیاری از یساروان از زیارت خاک وی شفا یافته اند.

در ۱۷۹۶ (۱۲۱۰ ق) ابراهیم خان حکمران شوشی گنجه را محاصره کرد. چون جوادخان حکمران قراباغ سبب شده بود که قراباغ و تغلیس را بخاک و خون کشیده بودند ابراهیم خان از ارا کلی یاری خواست و وی پسرش آلکساندره و نوه اش داوید را بیاری او فرستاد. ایشان شهر را گرفتند و تنها نتوانستند ارک شهر را بگیرند و آنرا آتش زدند و در همه جنگها مردم گنجه شکست خوردند و مردم گرجستان چنان دلیری نشان دادند که باعث شگفتی مردم قراباغ و ازگیان شد. سرانجام در ماه مه (ذی القعدة) ارا کلی شخصاً آمد و بیش از هزار تن اسیر را که در استیلای آقا محمدخان گرفتار شده بودند آزاد کرد و پس از آنکه با مردم گنجه صلح کرد و دوباره خراجی بر آن شهر بست از آنجا رفت.

در همین زمان سی هزار تن لشکریان روسی بفرماندهی سر تیپ والرین زوبف (۵) بفقاز آمدند و در بند و شماخی و باکو و سالیان و شکلی و شروان را گرفتند. در سوم ماه مه (۲۵ شوال ۱۲۱۰) این خبر بیادشاه گرجستان رسید و سر تیپ زوبور تاناجیه طالش پیش رفت و در کهنه شماخی مرود آمد و درین جنگ شهر در بند در ۱۱ ماه مه (۴ ذی القعدة) بتصرف سپاهیان روسیه درآمد.

چندی پس از آن ژنرال زوبف شش هزار تن از لشکریان خود را بفرماندهی ژنرال ماژور آلکساندر میخائیلوویچ کورساکوف (۶) مامور گنجه کرد و ایشان آن شهر را بی مانع گرفتند و یک فوج از سربازان شکوچی را در آنجا پادگان گذاشتند و بازمانده سپاهیان بتغلیس برگشتند. در همان سال تحصی سختی در گرجستان و گنجه و قراباغ روی داد و بسیاری از مردم آن نواحی بکاخ و جاهای دیگر هجرت کردند.

در ۲۸ ماه اوت ۱۷۹۶ (۲۴ صفر ۱۲۱۰) در طلوع آفتاب ستاره ای که برنگ آتش بود و دم درازی داشت و مانند موشکی حرکت می کرد از جانب ایمران در آسمان فقاز پدیدار شد. از بالای دریای خزر گذشت و در وسط روز دوح حُر خان نمودار شد و در غروب آفتاب در آسمان سن پترزبورگ ظاهر شد و از بالای کاخ زمستانی و رودنوا

(۱) Suimon (۲) Osouphli (۳) Kharébiça (۴) Ambarún'sa

(۵) Valérien Zoubof (۶) Alexandre Michailovitch Korsakof

گذشت و چون بیالای قلعه سن پروبول (۱) که قبرهای امپراتوران روسیه در آنجاست و  
روبروی کاخ امپراتوریت رسید در آنجا ناپدید شد.

در همان سال در ۶ نوامبر ۱۷۹۶ (۵ جمادی الاولی ۱۲۱۰) یکاثرین امپراتریس  
روسیه در گذشت و پسرش پاول بجای او نشست و وی سپاهیان روسیه را از شکلی و شروان  
و گرجستان احضار کرد.

چون این خبر با آقا محمد خان رسید و درین موقع از جانب خراسان و گرفتن مشهد  
و گرفتاری شاهرخ پسر رضا قلی میرزا پسر نادر شاه که وی را کور کرده بودند و ضبط  
دارایی وی و سرانجام کشتن او آسوده شد و چون از تغلیه شکلی و شروان و گرجستان آگاه  
شد دوباره وارد چنگ شد و بشوشی رفت. ابراهیم خان پسر فناخان بشنیدن این خبر  
بیلقان گریخت و آقا محمد خان شوشی را متصرف شد.

می خواست مردم کرتیل را قتل عام کند و لشکریان خود را بدو قسمت کرد و می  
خواست يك قسمت از آنها را بکرتیل بفرستد و با قسمت دیگر در کاخ کشتار کند. اما  
مردم گرجستان ازین مصیبت رهایی یافتند و باغواهی مصطفی خان حکمران قراباغ و خداداد  
ویارانش که از خدمتگزاران وی بودند در شب ۱۲ ژون ۱۷۹۷ (۱۰ محرم ۱۲۱۲) در  
خواب او را در قلعه شوشی کشتند. برخی گفته اند که صادق خان معرک این کار بوده  
است. مصطفی خان حکمران شماخی بود. آقا محمد خان او را بحضور خود خوانده بود  
و مراقب او بود اما دلیلی نیست که وی درین کار دست داشته باشد و نیز صادق خان  
شقایق معلوم نیست درین کار وارد بوده باشد. وی از سران درجه اول سپاه او بود و تنها  
زودتر از همه ازین کار باخبر شد. لشکریان ایران ازین نواحی رفتند و با با خان برادر  
زاده وی را بنام فتحعلی خان پسلطنت برداشتنند.

در همان سال طاعون در گرجستان و وی داد و در کرتیل و گنجه و قراباغ و شکلی  
و شروان قحطی بجایی رسید که يك کدی گندم که معادل دو پوت باشد يك تومان بفروش  
رسید که در آن زمان معادل ده روبل و چهل کپک بود.

اراکلی پادشاه گرجستان در ۸۲ سالگی یا ۸۰ سالگی در ۱۲ ژانویه ۱۷۹۸  
(۲۴ رجب ۱۲۱۲) پس از ۵۲ سال پادشاهی در گذشت و پیکرش را در مسخت بخاک سپردند  
و پسرش ژپورزی (۲) در ۱۴ ژانویه (۲۶ رجب) بجای او نشست. وی مرد متدین  
و دادگستری بود و مردم گرجستان او را بعدالت بسیار ستودند.

در سال ۱۷۹۸ (۱۲۱۳) با با خان (فتحعلی شاه) محمد خان قاجار پیشخدمت باشی

خود را نزد ژبورژی پادشاه گرجستان فرستاد و او را بتسلیم دعوت کرد و خواستار شد یکی از پسران خود را بگروگان بدر بار ایران بفرستد و باو وعده کرد حکمرانی شکی و شروان و ایروان و گنجه را بوی واگذار کند. ژبورژی که در آن زمان در ناحیه تلا و بود چون این پیشنهاد را شنید پدر زن خود ژبورژی تزیتزیشویلی (۱) را که حکمران یکی از نواحی کاخ بود نزد وی فرستاد که اگر شاه ایران همه پسران گرجستان را که عیش از تظلیس برده است آزاد کند باین کارتن در خواهد داد. چون این فرستاده و محمد خان بقامباک (۲) رسیدند خبر تازه‌ی از ایران بایشان رسید. فتحعلی شاه وارده آذربایجان شده و درخوی فرود آمده بود و خبر سرکشی برادرش حسینقلی خان که حکمران عراق بود یاورسید و ناچار شد از آذربایجان برود. بدین جهت فرستاده پادشاه گرجستان بایروان رفت و محمد خان هم بایران بازگشت. فتحعلی شاه هم برادر خود را شکست داد و کور کرد و درین میان پاول امپراتور روسیه که ازین وقایع خبر شد فوراً نامه‌ای بژبورژی پادشاه گرجستان نوشت و او را دعوت کرد بایران تسلیم نشود و وعده کرد که در موقع لزوم باو یاری کند. در ۱۷۹۹ (۱۲۱۴) داوید جائیق گرجستان که خود را در حمایت دربار ایران قرار داده بود از محمد خان حکمران ایروان پسر حسینقلی خان حکمران ایروان یاری خواست و وی لشکریانی بیاری او فرستاد و دانیا را که باو رقابت داشت گرفتار کرد و بدست وی سپرد. امپراتور روسیه هم بژنرال گوداویچ حکمران گرجستان نوشت و باو دستور داد داوید جائیق گرجستان را که بایرانیان پیوسته بود خلع کند و دانیا را بجای او بگمارد و چون روسها این کار را کردند داوید بدر بار ایران گریخت و در آنجا ماند. داوید در ۱۸۱۷ (۱۲ ذی الحجه ۱۲۳۲) در زندانی در صومعه اوج کلیسیا (اچمیدزین) در گذشت.

در سال ۱۸۰۰ (۱۲۱۵) چون فتحعلی شاه باردیگر نرسیدن لشکریان روسیه بگرجستان آگاه شد یکی از سرداران خود را بالشکریان بسیار بقتضای فرستاد و ایشان در نخبوان فرود آمدند و از آنجا پادشاه گرجستان انحصار کردند که سپه‌های روسیه را از گرجستان بیرون کند و تسلیم ایران شود. سبب این بود که اراکلی در دم مرگ وصیت کرده بود که جانشین وی یکی از برادرانش باشد. بهین جهت چون خبر رسیدن لشکریان ایران انتشار یافت آلکساندره برادر ژبورژی پادشاه گرجستان از شولاور (۳) نزد سردار ایران رفت، زیرا وی ناامید بود که پاول امپراتور روسیه حق وی را بشناسد و بالعکس داوید پسر ژبورژی را باین سمت می شناخت که از دوسال پیش وارد دست قراولان

سپاه امپراتوری روسیه شده بود و منصب ژنرال ماژور باو داده بودند .  
 بدین گونه در میان ژبوری پادشاه گرجستان و دارجان ملکه آن سرزمین که مادر  
 زن او بود و برادران وی اختلاف در گرفت و آلکساندره بتحریک ملکه بایرانیان پناه برد .  
 دارجان ملکه با داماد خود میانه نداشت و در بسیاری از کارهای کشوری با او مخالفت می  
 ورزید . اما چون آلکساندره بنخجوان رسید سردار ایرانی چندان احترامی با او نکرد و  
 در همان حین بدستور شاه ایران از آن شهر رفت و آلکساندره که تنها مانده بود ناچار  
 شد نزد ابراهیم خان حکمران قراباغ برود .

در ۲۸ دسامبر ۱۸۰۰ ( ۱۱ شعبان ۱۲۱۵ ) ژبوری سیزدهم پادشاه گرجستان در  
 تفلیس پس از دو سال پادشاهی در گذشت و بفرمان امپراتور روسیه پسرش داوید بنیابت  
 سلطنت گرجستان برگزیده شد .

در ۱۵ سپتامبر ۱۸۰۱ ( ۷ جمادی الاولی ۱۲۱۶ ) آلکساندر امپراتور روسیه پس  
 از مرگ پدرش پاول در مسکو تاج گذاری کرد و در همان آغاز سلطنت خود فرمانی صادر  
 کرد و پادشاه گرجستان را رسماً دست نشانده خود دانست و این سرزمین را بینج استان  
 تقسیم کردند و مردم گرجستان سوگند وفاداری نسبت بتاج و تخت روسیه خوردند و  
 ادارات روسی را در آن کشور دایر کردند . از آن روز بپس امپراتوران روسیه گرجستان  
 را یکی از توابع خود دانستند .

در ۱۸۰۲ ( ۱۲۱۷ ) آنا ملکه گرجستان که زن بیوه داوید پادشاه سابق بود پس  
 از مرگ شوهرش بروسیه بدربار آلکساندر رفت و وی را در آنجا با احترام پذیرفتند .

در ۹ سپتامبر ۱۸۰۲ ( ۱۱ جمادی الاولی ۱۲۱۷ ) ژنرال پاوله تزیتزشویلی (۱) از  
 مردم گرجستان که در میان روسها بنام پاول تسیسیانف (۲) معروف شده بود وارد سپاه  
 روسیه شده و در آنجا به مقام عالی رسیده بود حکمران گرجستان شد و بتفلیس رفت و  
 در ۶ فوریه ۱۸۰۳ ( ۱۳ شوال ۱۲۱۷ ) وارد شهر شد و دولت روسیه باو دستور داده بود  
 همه شاهزادگان نزدیک بخاندان سلطنتی گرجستان را بروسیه بفرستند . داوید و واختانگ  
 زود ترازهمه در ۱۸ فوریه ( ۲۵ شوال ) رهسپار شدند . شاهزاده طهمورث ( تیموراز ) از ترس  
 عازم روسیه نشد و نزد عم خود آلکساندره بناحیه چادر رفت . در ۱۸ آوریل آن سال ( ۲۵  
 ذی الحجّه ۱۲۱۷ ) مریم ملکه سابق گرجستان با فرزندان خود نیز روانه شد و او را بصومعه  
 بیلوگورود (۳) در ناحیه کورسک (۴) بردند و در آنجا نگاه داشتند . ملکه دارجان زن

(۱) Pawlé Tzitzichwili (۲) Pavel Tzitzianof (۳) Biélogorod

(۴) Kursk



زن بیوه اراکلی پادشاه سابق که بسیار عمن و علیل بود در تفلیس ماند .  
 در ۱۶ اکتبر ۱۸۰۴ ( اول رجب ۱۲۱۹ ) تسیتسیانف برای گرفتن گنجه از تفلیس  
 رهسپار شد . جوادخان حکمران آن شهر در بیرون شهر دوبروی جیبر با او روبرو شد  
 اما شکست خورد و بارگ شهر پناه برد و لشکریان روسیه شهر را گرفتند . تسیتسیانف  
 هرچه جوادخان را دعوت کرد تسلیم شود بجایی نرسید . چون میخواست لشکریان خود  
 را در ارگ شهر جا بدهد باو پیشنهاد کرد که همه دارایی او مسون باشد و خود او وارد  
 خدمت روسیه شود . جوادخان چون متکی بسواعید شاه ایران بود زیر بار نمی رفت . ناچار  
 تسیتسیانف بلشکریان خود دستور داد نردبان بگذارند و ارگ را تصرف کنند . بهمین  
 جهت سپاهیان روسی در ۳ ژانویه ۱۸۰۵ ( اول شوال ۱۲۱۹ ) پیای دیوار ارگ رسیدند  
 و از دیوار بالا رفتند و ارگ را گرفتند . آن روز عید بایرام اوروچ ( عید فطر ) مسلمانان  
 بود و بامداد روز عید ارگ را گرفتند . درین جنگ مردم کرتیل شرکت موثری کردند و  
 شهر را آتش زدند و از مردم گنجه که در ۱۷۹۵ ( ۱۲۱۰ ) در تصرف تفلیس پیدا کرده  
 بودند انتقام گرفتند و ناچار لشکریان روسیه هم درین گیرودار بسیار خشمگین بودند .  
 جوادخان دلیرانه مقاومت کرد و در جنگ کشته شد . ارگ را بکنی نابود کردند و عده ای  
 از مردم شهر را کشتند . درین واقعه چهارصد تن از سپاهیان روسی جان سپردند . پس از  
 آن تسیتسیانف شهر گنجه را تعمیر کرد و آنرا تابع تفلیس قرار داد و مردمی را که گریخته  
 بودند با آنجا بازگرداند و آن شهر را یلیزا بدپول (۱) نام گذاشت ، بنام امیراتریس  
 یلیزاوتا الکسیونا (۲) زن انکاندر اول و این تغییر نام در ۵ فوریه آن سال ( ۵  
 ذی القعدة ۱۲۱۹ ) رسماً پذیرفته شد . چون این خبر بامپراتور الکساندر رسید منصب ژنرال  
 یار داد و بافسران روسی نیز درجه و نشان داد .

در همان سال ۱۸۰۵ ( ۱۲۲۰ ) در بهار تسیتسیانف بزم گرفتن ایروان رهسپار شد  
 و در آنجا باعباس میرزا پسر شاه و عده معدود لشکریان وی برخورد و در جنگ مختصری  
 ایرانیان شکست خوردند و بگاری رفتند . تسیتسیانف از رودزنگی گذشت و ایروان را محاصره  
 کرد . چون این خبر بفتحعلی شاه رسید (۳) لشکریانی گرد آورد و بگاری رفت .

تسیتسیانف یاور مون ترزور (۴) اراغامباک فرستاد آژوئه برای لشکریانش یاورد  
 زیرا که در آن نواحی قحطی بود . چون این خبر بفتحعلی شاه رسید پیرقلی خن از

(۱) Yelizabedpol (۲) Yelizavita Alexeievna (۳) در سند گرجی همه جا

نام فتحعلی شاه را « باباخان » و « شاه باباخان » و نام عباس میرزا را « آبازا » نوشته اند

(۴) Montrésor

سرداران خود را که در قلمیابک بود آگاه کرد زیرا وی قلعه قرا کلیس را که آذوقه در آنجا فراوان بود محاصره کرده بود ، گلوله و باروتی که لشکریان روسی لازم داشتند نیز در آنجا بود و عده ای از مردم اطراف بآنجا پناه برده بودند .

بیر قلی خان دستور داده بودند که سپاهیان روسی را دستگیر کنند . یاورمون ترزور با عده معدود سربازان خود در حدود ۱۷ ماه اوت ( ۲۰ جمادی الاولی ۱۲۲۰ ) رهسپار شد و در جنگی که در ۲۱ اوت باشش هزار تن لشکریان ایرانی کردوی و تقریباً همه سپاهیانش کشته شدند . پیش از آن پادگان قرا کلیس دلیرانه از آن دفاع کرده بودند و الکساندره ولیعهد گرجستان از تصرف آن خودداری کرده بود .

درین زمان آلکساندره و فارناوز ( ۱ ) و تیمور از ( طهمورث ) شاهزادگان گرجستان با پیر قلی خان یآوری می کردند و با سواران و چادرنشینان گرجی با او بودند . چون لشکریان روسی بندر باز رسیدند پیر قلی خان برایشان حمله برد ، کاملاً آنها را شکست داد ، توپی را که داشتند ازیشان گرفت و با اسیرانی نزد شاه فرستاد و وی هدایای گران بها برای او و شاهزادگان گرجی فرستاد و آلکساندره نوشت که فارناوز را بآراگوی بفرستد تا راه را بر لشکریان روسی بگیرند .

چون خبر ورود شاه بایروان بیولون ( ۲ ) و فارناوز شاهزادگان گرجی که در ایسرت بودند رسید ایشان براه افتادند نزد وی بروند . چون بچنگل کوچک اولو ( ۳ ) در ایسرت رسیدند یکی از مردم ایسرت بروسها که در سورام یک فوج بادو توپ داشتند خبر داد که می خواهند بایروان بروند . گوژیا رامینیشویلی ( ۴ ) پیشخدمت باشی دربار گرجستان که بروسها اطمینان داد آنها را دستگیر کند بایک دسته از سربازان شکارچی برای گرفتاری ایشان مامور شد .

چون سپاهیان روسی بایشان رسیدند در صبح آفتاب روز ۲۹ ژون ( اول ربیع الثانی ۱۲۲۰ ) بریشان حمله کردند و درین جنگ تیتا تارخینیشویلی ( ۵ ) پسر بتزیا ( ۶ ) ، فیراو چرکزیشویلی ( ۷ ) و داتوا کزل ( ۸ ) و پسرش کشته شدند و پناهزاده بیولون نزدیک شدند که او را بکشند . اما غلام باشی اوداوید آبازادزه ( ۹ ) وی را پناه داد و سرنیزه ای که یکی از سربازان روسی متوجه کرده بود بشقیقه او خورد . بدین گونه شاهزاده بیولون نجات یافت اما گرفتار روسها شد . پسرانش لئون و لوراسب ( لهراسب ) و شاهزاده فارناوز

( ۱ ) Pharnaoz ( ۲ ) Ioulon ( ۳ ) Oulew

( ۴ ) Gogia Raminis-Chwili ( ۵ ) Tétia Tarkhinis - Chwili

( ۶ ) Betzia ( ۷ ) Phirau Tcherkézichwili ( ۸ ) Dathoua Kézel

( ۹ ) David Abazadzé

لئون وفارنواز نزد نرگیان رفتند و از آنجا در فامبک پسر قلی خان پیوستند و برادر  
و عثمان آلکساندره و برادر زاده و پسر عثمان تیمور از نیز در آنجا بودند. بوداسب که  
جوانی بود بگرچستان پناه برد.

اما تسیتیانف بی آنکه کاری از پیش ببرد با اندکی از لشکریان خود شیانه از  
ایروان عقب نشست. بیماری و تنگی آروغ لشکریان وی راست کرد و ناچار شد بامداد  
روز ۴ سپتامبر (۹ جمادی الاخره ۱۲۲۰) دست از محاصره بردارد. از راه کانسکیرو  
اچمیادزین و قراکویس در ۲۲ سپتامبر (۲۷ جمادی الاخره) بتفیس رسید و لشکریان او دوباره  
از بیماری از پا درآمده بودند.

روایت دیگر درباره محاصره ایران بدین گونه است که در ۱۸۰۵ (۱۲۲۰) تسیتیانف  
محمد خان حکمران ایروان را دعوت کرد تسلیم او شود و از او خواستار شد بگذارد لشکریان  
روسیه قلعه ایروان را بدست گیرند و خود حکمران شهر ایروان باشد و همان مالیاتی را  
که پسر بار ایران می داده بدست بردارد. محمد خان فتحملی شد. خبر داد وی فرستاده ای  
نزد تسیتیانف روانه کرد و نامه نوشت که اگر دست از ایروان نکشد باید جنگ آماده  
شود. تسیتیانف لشکریان خود را گرد آورد و شاهزاده گن و تچی ی گرجستان و مردم  
شهر را با خود یار کرد و با ایروان لشکر کشید. چون آنجا رسید، عباس میرزا پسر فتحعلی  
شاه باده هزار سپاهی بیاری شهر تاخت، تسیتیانف را و وارد جنگ شد و جنگ سختی  
در گرفت. ایرانیان سخت برابری کردند امژنزل سرگی آلکساندروویچ و وچکوف (۱)  
بی آنکه بوضع مساعد آنها در تخته سنگها و کوه های گرداگرد ایروان اعتنا کند،  
سربازان خود را فرمان داد از بلندیها بالا روند و افراد فوج خمپاره اندازان آفتاب آنجا  
فرستاد و بجلگه ای رسید که سپاهیان ایران در آنجا مستحکمات بسیار داشتند. سربازان روسی  
پیش بردند و ایرانیان را فرار دادند و ایشان را تا لشکر گه شدن دنبال کردند و بر آنجا  
دست یافتند. درین جنگ کیخسرو آرشید زه پسر لئون گشته شد که تازه از گرجستان بشکر  
روسیه پیوسته بود. لشکریان روس صومعه اچمیادزین و شهر بروان را هم از ایرانیان گرفتند  
و بد آنجا وارد شدند.

با این همه خان ایروان و مردم شهر در ارگ آنجا که بسیار مستحکم بود و دشمنان  
نمی توانست در آن رخنه کنند از خود دفاع کردند. عباس میرزا پسر شاه درین واقعه خبر  
کرد و خود با صد هزار تن از لشکریان روسیه پار شد چون ایروان رسید سپاهیان تسیتیانف  
را محاصره کرد. هر روز جنگ می کردند و پیری بشکریان روسی می رسید، بسیاری  
از ایشان از گرما و بدی آب و هوا بیمار شدند، سیرری مردند، پیری تسیتیانف آنها

۲۶۰۰ سرباز باقی ماند . شاهزادگان و اعیان گرجستان که بالشکریان همراه بودند چون این حال را دیدند بتای فرار و رفتن بتفلیس را گذاشتند .

درین میان فتحعلی شاه که راهها را گرفته بود و در اطراف ایروان می جنگید و نمی گذاشت لشکریان از آنجا بگذرند ، برایشان حمله برد و چند تن از آن گرجیان را که می خواستند برگردند کشت و برخی از ایشان و از اعیان شهر را اسیر کردند . در میان ایشان یکی از نجبا ایوانه اوربلیان (۱) پسر داوید سردار ساپاراطیانو (۲) بود که او را هم با سه تن از پسران عمش اسیر کردند و نزد شاه بردند . وی ایشان را بشیریزوارومیه فرستاد و در آنجا زندانی کرد و دیگران را بر خرنشانند و برخی را پیاده بطهران بردند . سردار ایوانه این امتیاز را از شاه یافت که وی را سوار بر خر کردند و در پیشاپیش این گروه بردند .

فتحعلی شاه سردار خود پیرقلی خان را هم با هشت هزار تن سپاهی بماباک فرستاد تا بر قراقلیس که روسها آنرا مستحکم کرده بودند حمله ببرند و ذخیره گلوله و باروت روسها در آنجا بود .

پیرقلی خان بآنجا حمله برد و نتوانست آنرا بگیرد زیرا که پادگانی از دوستان تن سرباز روسی در آنجا بود . اما راه تفلیس چنان بسته شده بود که تانسیتسیانف بآنجا نرسید کسی از وخبر نداشت . وی که در شهر ایروان سخت گرفتار شده بود اما وسایل دفاع کافی داشت دیگر باروت و گلوله نداشت . یاور موم ترزور را با صد و هشتاد تن سپاهی بآنجا فرستاد که باروت و گلوله و آذوقه بیاروند و رستم پسر ملیک آپو (۳) از مردم قراباغ و شست تن از ارمنیان آن ناحیه را با دو توب با ایشان روانه کرد . ایشان پنهانی از ایروان رهسپار شدند و بسوی فامبک روانه گشتند . سردار پیرقلی خان که در آنجا بود خبر شد و پیش آمد که راه برایشان بگیرد . روسها چون بحمام لی رسیدند جنگ در گرفت و ایشان کشته شدند . تنها چند تن و از آن جمله ارمنیان اسیر شدند و ایشان را با توپها نزد شاه فرستادند که در ایروان بود . در این مورد شاه از پیرقلی خان تشکر بسیار کرد و برای او خلعت فرستاد .

درین هنگام چون خبر طغیانی از ایران بفتحعلی شاه رسید بازگشت و تسیتسیانف را از گرفتاری نجات داد و وی بار خود را بست و بتفلیس رفت . فتحعلی شاه آگاه شد که سلیمان خان از سرداران سپاهش می خواهد وی را بکشد و همین جهت تسیتسیانف را دنبال نکرد و بطهران بازگشت در همین سال ۱۸۰۵ (۱۲۲۰) در آن نواحی زمین لرزه سختی روی داد .

در همین سال ۱۸۰۵ فتحعلی شاه باردییل رفت و ابراهیم خان حکمران شوش از نزدیک شدن وی هراسان شد و بگنجه رفت و ژنرال تسیتسیانف در آن زمان آنجا بود. از روسها یاری خواست قلعه شوش را حفظ کند و با نصدتن برای این کار با او یاری کردند. چون فتحعلی شاه بکنار رود ارس رسید پسرش عباس میرزا را با لشکریانی که چندان فراوان نبودند مامور تاختن بگرستان کرد. چون وی بکنار رود ترتر در قراباغ رسید تسیتسیانف که در گنجه بود خبر شد و هزارتن از لشکریان روسی را بفرمانده یکی از سرهنگن تفتکچیپان بمقابله فرستاد. چون ایشان بکورگ رسیدند کار یاگین (۱) که فرمانده آن عده بود از ایرانیان شکست خورد و خود نیز زخم برداشت و بزحمت توانست ماسی سربازی که برای وی مانده بود بگیرد. چون این خبر بتسیتسیانف رسید با چهار هزار لشکری برای ایرانیان حمله برد ولی ایشان روسها را در راهی که در پائین بود گذاشتند و خود راه بالا را گرفتند و وارد گنجه شدند و همه اهالی مسلمان آن شهر را اسیر کردند و بتبریز بردند. آنگاه عباس میرزا شخصاً بناحیه شمشادین رفت و می خواست بتفلیس بتازد، اما این کار را نکرد. فرمانی از پدرش فتحعلی شاه باو رسید و بازگشت و از راه سرزمین قزاقان بآستناف رفت. قزاقان در دره تنگی در میان کوهستان بروحمله بردند و بایشان آسیب رساندند آنگاه سلیمان آقاج اوغلی ازین راه بآته قافلانیشویلی (۲) را که در آن زمان نزد عباس میرزا بود و وی باو احترام می کرد و تا این دم همراه او بود فرار داد و قزاقان نیز در آنجا چندتن دیگری از نجای گرجستان را که در موقع رفتن از ایروان بتفلیس گرفتار شده بودند گریزانند.

فتحعلی شاه بگیلان رفت زیرا که لشکریان روس از راه دریا بآنجا حمله برده بودند و در مانده ایشان ژنرال ذوالیشین (۳) بود، اما پیش از آنکه شاه بآنجا برسد مردم گیلان خود آن لشکریان را شکست داده بودند و ایشان از راه دریا بیا کورده و در نزدیکی آن شهر مانده بودند. این لشکر کشی روسها ۳۳ روز طول کشید. تسیتسیانف که می خواست حکمران با کورابتسلیم و اداره خواست سخت وی را از یاری که ممکن بود از گیلان باو برسد محروم کند و در ۱۳ ژون ۱۸۰۵ (۱۵ ربیع الاول ۱۲۲۰ ژنرال ذوالیشین را فرستاد بتبریز و ژنرال (۴) را بگیرد و وی در ۲۴ آن ماه (۲۶ ربیع الاول) گامباب شد. در اون ژویه (۴ ربیع الثانی) پیره بازار را گرفت و در آنجا سنگر ساخت و از آنجا از راه چنان دشواری و هسپار داشت شد که از هر سو دشمنان بروحمله می بردند و چون بیشتر اسبهای توپخانه اش مردم سربازان ناچار توپها را خود می کشیدند و سپس

(۱) Karigin (۲) Orphan'cov li (۳) Zavalichin

(۴) درستون گرجی نام انزلی را «ژنزلی» Zinzéli نوشته اند.

روسها جان بدر بردند و بیره بازار بر گشتند ، بزودی گرما و ناسازگاری هوای گیلان بیماری در میان لشکریان روس انداخت و ناچار در ۲۲ و ۲۳ ژوئیه (۲۷ و ۲۸ ربیع-الثانی) ازانزلی رفتند و چندان آسیبی از ایرانیان ندیدند. اما معلوم نیست که فتحعلی شاه خود بگیلان رفته یا نرفته باشد و در هر حال چند بار لشکریانی بآنجا فرستاده است .

در همان سال فتحعلی شاه عسکرخان را بسفارت بدربار امپراتور بناپارت پیادیس فرستاد . امپراتور بنوبت خویش ژنرال لاژار (۱) را بایران فرستاد و وی حامل هدایای جالبی بود و همراه وی شست آموزگار توپخانه و کارهای نظامی بودند که مامور بودند سربازان ایرانی را با اصول فرانسوی آموخته کنند . شاه از آن فوق العاده ممنون شد و بنا کرد لشکریان و توپخانه خود را با اصول اروپایی فراهم کند .

در سال ۱۸۰۶ (۱۲۲۰) تسیتسیانف از رود متکوار (۲) در گنجه گذشت و بسا لشکریان خود بنوفا رفت . حکمران نوفا محمد حسن خان کور بود که آقا محمد خان چشمانش را در آورده بود . تسیتسیانف او را عزل کرد و جای وی را بجعفر قلی خان از مردم خوی داد که از دست فتحعلی شاه گریخت و در محاصره ایروان بتسیتسیانف خدمت کرده و او را از محاصره نجات داده بود . امپراتور الکساندر منصب ژنرال لیوتنان باو داد و يك جقة الماس و بیرقی برای وی فرستاد و دستور داد از مردم شکی صدوسی هزار سکه طلا خراج بگیرند و بازمانده مالیات را در اختیار حکمران آنجا گذاشتند . چون تسیتسیانف از آنجا بشماخی رفت مصطفی خان مقاومتی نکرد و او هم در برابر روسیان مقیم شد و چون همان احترامی را که بجعفر قلی خان کردند باو کردند مالیات سالیانه هشت هزار دوکای (۳) هلندی را بعهده گرفت . تسیتسیانف از شروان گذشت و بسا کورفت ، در اندیشه آنکه آن شهر را بگیرد تا از راه آن شهر آزوغه ای را که برای لشکریان گرجستان لازمست از حاج طرخان بیاورد ، زیرا که در گرجستان خوراک باندازه کافی برای احتیاجات روسها نبود . چون بسا کور رسید در يك فرسنگی شهر لشکرگاه ساخت و بحسین خان حکمران شهر نوشت که کلیدهای شهر را نزد او ببرد . هرچه خان از و التماس کرد وی را ازین سرشکستگی معاف دارد و نخواهد که کلیدها را باخود بیاورد تسیتسیانف بتدیرفت سرانجام خان باو نوشت : «چون نگرانی مانعست که بمیان لشکریان شما بروم از شما خواهش می کنم بادو تن بارگه شهر نزدیک شوید» . پس تسیتسیانف يك یا بقول دیگر دو قزاق برداشت و الیسبار (۴) پسر آقا با با واهم همراه گرفت تا باخان دیدار کند . وی نیز بادو خدمت گزار نزدیک شد از اسب پیاده شدند ، يك دیگر را در بدل گرفتند و چون خان کلیدها را بدست او داد دو خدمت گزار وی تفنگ خود را بسوی تسیتسیانف خالی

کردند و او را با الیسبار پسر آقا بابا در روز پنجشنبه ۸ فوریه ۱۸۰۶ (۱۹ ذی قعدة ۱۲۲۰) کشتند. سرش را بریدند و برای شاه فرستادند بیرقلی خان سردار که بیاری مردم با کو آمده بود دوست در همین موقع رسید و چون ازین واقعه خبر شد بر لشکر گاه روسیانت تاخت و ایشان که وسیله بازگشت بکرجستان رانداشتند در باکو بکشتی نشستند و از راه قزلباز دریا رفتند.

پس از لشکرکشی بانزلی کشتی‌های روسی در ۵ ماه اوت ۱۸۰۵ (۹ جمادی الاولی ۱۲۲۰) رهسپار باکو شدند بعضی اینکه بآنجا رسیدند حسین خان نژاد ژنرال زاولیشین فرستاد و باو تبریک و زودگفت و وی باو نوشت و بسادآوری کرد که سال گذشته در برابر ژنرال تسیتسیانف تعهد کرده است فرمان گزار روسیه باشد و در ارک شهر پادگان روسی را جا بدهد. خان نیز منکر تعهدات خود نشد و در روز مهلت خواست، سپس دو ماه مهلت خواست بپهد خود و ما کند، ناچار ژنرال در ۱۵ اوت (۱۹ جمادی الاولی) بمباران شهر برای گرفتن ارگ آغاز کرد. تا سوم سپتامبر (۸ جمادی الاخره) این کار در پیشرفت بود اما نتیجه‌ای نمی‌داد. آنگاه خبر شد که شاه علی خان حکمران در بندة و قبه بیاری محاصره شد گن ارگ آمده است و ناچار روسها دست از محاصره کشیدند. این خان را در ۱۷۹۶ (۱۲۱۱) اسیر کرده و سپس امپراتور پاول حکمرانی در بند را باو داده بود و از تسلیم باکو خودداری میکرد و پانزدهمی آورد که این شهر را مقام بالاتری باو واگذار کرده است و زاولیشین ناچار شد دست زین کار بشوید. از سوی دیگر مصطفی خان حکمران شروان که مشغول گفتگو بود تسلیم روسها بشود نیز دفع الوقت می‌کرد ناچار تسیتسیانف در پایان ماه نوامبر (پایان رجب ۱۲۲۰) بدین سوی رهسپار شد و بزوال زاولیشین فرمان داد بیای دیوارهای شهر باکو برگردد تا آنجا پیش دیگر برسند و بازمانده و قایم بپیمان گونه است که پیش ازین اشاره رفت.

پس از کشته شدن تسیتسیانف در همان سال گنت یوان و واسیلیویچ گوداویچ (۱) را که پیش از آن حکمران خط قفقاز و سر تیب مرمانده بود بجای وی گذاشتند. پیش از آنکه بتعلیس برسد به ابراهیم خان حکمران قراباغ که قعه و نیروهای خود را در اختیار روسها گذاشته بود حمله بردند. چون بهیچ وجه منتظر این حمله نبود با خانواده‌اش در بیرون قلعه عسکران در زیر چادر بود زیرا که گرم بسیار سخت شده بود. این حمله را نایب سرهنگ دیمیتری تیخونویچ نیزانویچ (۲) بششهادت نیش، جورا شویلی منقب بناوبرا (۳) کرد که پس از آنکه میر آخر و ندیه شازده آنکسایدره بود باو خیانت کرده

Comte Ivan Vasilévitch Goudovitch (۱)

Thawbéra (۳) Dimitri Tikhonitch Lisanévitch (۲)

و درین موقع از ایران بقرا باغ آمده بود . درین حمله که شب باتوپ کردند ابراهیم خان را روسها کشتند و وی و زنانش را بکلی نابود کردند و ثروت هنگفت او را غارت کردند . مهدی خان پسر ابراهیم خان از گوداویج درخواست کرد حکمرانی قرا باغ را باو بدهد و وی پذیرفت و این سمت را باو داد که در سال ۱۴ هزار دو کای هلاندی مالیات بدهد . لقب ژنرال ماژور و عناوین مخصوص محترمین آن ناحیه را باو دادند و پس از آنکه سوگند خورد روانه شد . اما قلمه شوش هم چنان در دست لشکریان روسیه باقی ماند . زیرا که پیش از آن ابراهیم خان حکمران شوش سپاهیان روسی را بقلمه راه داده بود و زبردست آنها شده در سال هشت هزار دو کای مالیات می داد . اما پس از کشته شدن تسیتسیانف با ایران وارد گفتگو شده بود و بیاری خواسته بود که بدستاری حکمرانان شکلی و غازی کوموک دوباره قیام کند . بهمین جهت از شوش بیرون آمد و در نزدیکی شهر اردو زده بود . لیزانویج سعی کرد او را باز گرداند و چون سعی او بجایی نرسید با سپاهیان معدودی بروحله برد . پس از کشته شدن ابراهیم خان پسر مهترش مهدی قلی خان را بجای او نشاندهند . در همین زمان هم ژنرال نپولسین (۱) نزدیک قلمه کوچک عسکران در کنار رود قرا کپک در جنگی که باعباس میرزا کرد او را شکست داد .

در ۸ نوامبر ۱۸۰۷ ( ۷ رمضان ۱۲۲۲ ) دارجان ملکه گسرستان همسر آرا کلی پادشاه آنکشور در سن پترزبورگ در گذشت و امپراتور روسیه دستور داد با احترام بسیار بیکر او رادر صومعه نوسکی (۲) در کلیسای آنونسیاسیون (۳) بخاک سپردند .

در اول نوامبر ( ۲۹ شوال ) همان سال ستاره دنباله داری در افق پدیدار شد که با ستاره های دنباله دار دیگر تفاوت داشت و بشکل کشیده بود . اختر شناسان می گفتند دم آن ۵۰۰ درجه درازی دارد که هر درجه عبارت از ۱۱۹ و رست باشد .

در ۲۰ نوامبر ( ۲۹ رمضان ) همان سال شاهزاده زیورژی پسر آلکساندره پسر سولومون پادشاه ایمرت از آبله در سن پترزبورگ در گذشت و بیکرش رادر همان صومعه نوسکی بخاک سپردند و در تاریخ مرگ او اقوال مختلف هست .

در ۵ نوامبر ۱۸۰۸ ( ۸ رمضان ۱۲۲۳ ) کنت گوداویج برای گرفتن ایروان رهسپار شد و لشکریان خود را با دسته ای از گرجیان همراه برداشت . چون شهر را گرفت در کاباکیر لشکرگاه ساخت . در آن زمان یکی از سرداران ایرانی مدافع قلمه ایروان بود . زیرا که فتحعلی شاه هنگامی که از آذربایجان می رفت محمد خان و خانواده اش را با خود برده بود و او رادر آنجا نگاه داشته بود زیرا که مردی دوروی و ناراحت بود چون شاه از واطمینان نداشت عده ای از سپاهیان خود را در قلمه ایروان گذاشته و فرماندهی



آنها رایبکی از سرداران خود داده بود. چون این خبر رسید عباس میرزا پسر شاه که حکمران آذربایجان بود و در تبریز اقامت داشت با لشکریان خود و سربازان جدیدی که افسران فرانسوی تربیت کرده بود و توپخانه خود رهسپار شد. چون پننجوان رسید که یاری لشکریان ایروان برود در آنجا درنگ کرد چون بگوداویچ آگاهی رسید دو فوج را که یکی از آنها فوج تفنگداران ترویتسکی (۱) و دیگری فوج شکارچیان بود با آنجا فرستاد. چون لشکریان روسی پننجوان رسیدند جنگ سختی در گرفت و ایرانیان در نتیجه هترنمایی سربازان جدید افدکی پیش بردند. با این همه گوداویچ سربازان خود دستور داد نزدیکان بگذارند و بقلمه ایروان حمله کنند. هنگامی که سربازان از نزدیکان بالامی رفتند ایرانیان آتش توپخانه را متوجه ایشان کردند. روسها شکست خوردند و دوهزار کشته دادند

هنگامی که گوداویچ در ایروان بود از مقام خود عزل شد و آلکساندر پتروویچ (نورمازف، ۲) را فرماندهی کل مأمور کردند و گوداویچ پس از چهار سال از مقام خود معزول شد. چون این خبر بوی رسید بجای آنکه حمله دیگری بکنند بار خود را بست و از راه آباران رهسپار شد. در راه برف و سرمای بسیار بود و چون در کوهستان آباران برف در سراسر زمستان آب نمی شود و چوب در آنجا نیست عده کثیر از همراهان وی تلف شدند چون این خبر به عباس میرزا رسید که در گذر نی بود لشکریان روسی را تا آباران دنبال کرد، عده کثیر از آنها را کشت و به آنها را غارت کرد و آسیب بسیار بر وسها و گرجیان رساند. این واقعه در ماه دسامبر آن سال (شوال ۱۲۲۳) روی داد و بدزمانده سپاهیان روسی و گرجی بزرگت توانستند خود را بفرمانده عباس میرزا بایروان برگشت و قلعه آنجا را محکم بر کرد و زمستان را در آنجا ماند. گوداویچ بروسیه برگشت و حکمران کل مسکورا باودادند و نورمازف بحکمرانی گرجستان پرداخت

در دوره فرماندهی گوداویچ وقایع مهمی که روی داد تصرف بوخ و ناحیه شکلی بدست ژنرال نیولسین بود

در ۱۸۱۰ (۱۲۲۵) محمد علی خان پسر فتحعلی شاه بگرجستان آمد. این پسر را شاه ازبک زن گرجی از نژاد چوش (۳) از خانواده تزبکورا شویلی ۴ پیدا کرده بود که ایرانیان بسپار کرده و در ایران فروخته بودند و شاه خریده و بواسطه زیبایی فوق العاده بهسری خود اختیار کرده بود. وی پسر همشراو بود. محمد علی زن مردم فسامیانک را کوچ داد و ایشان را ناحیه ایروان برد و از آنجا آنچه قلمه رفت و در توسکی تا فا درنگ

(۱) Alexandre Pétrovitch Tomassoï (۲) Traitski  
(۳) خدرا مراد محمد علی میرزا دولتشهست (۴) Zicara chwili

کرد و تاناحیه دمانیس (۱) و کودی را قتل و غارت کرد و از آنجا بازگشت . هر چند که سوار نظام روسیه در گاتخیلی خیدی (۲) بودند که جنگی در میانشان درنگرفت . در پاییز ۱۸۱۰ (۱۲۲۵) حسینقلی خان سردار ایروان و آلکساندره ولیعهد گرجستان پس از آن که بفامپاک حمله بردند و نتیجه نگرفتند خواستند بشریف پاشا پاشای قارص که او هم با روسها در جنگ بود ملحق شوند اما تورمازف قورا لشکریانی بیاری روسها بتزالکا (۳) فرستاد و راه را برایشان گرفتند . در شب چهارم سپتامبر (اول شعبان ۱۲۲۵) مارکی پاولوچی و سرهنگ لیزانوویچ برایشان حمله بردند و ایرانیان و عثمانیان شکست فاحش خوردند و روسها لشکرگاه ایشان را متصرف شدند . در همان زمان عباس میرزا دستهای از چهار هزار تن از اچمیاد زبن ( اوج کلیسیا ) بفامپاک فرستاد و در ۸ سپتامبر (ده شعبان) بده اماملی نزدیک شد و وی را از آنجا راندند . اما لشکریان ژنرال پورتنیاگین (۴) درین جنگ شکست خوردند در تاریخ ۱۴ سپتامبر (۱۱ شعبان) دست دیگری از لشکریان ایران را در شامشادیلو ژنرال نیولسین شکست داد ، در تاریخ ۱۸ (۱۵ شعبان) دسنه سومی در قرارگاه آرتیک بهمین سرنوشت گرفتار شد . در همان سال ۱۸۱۰ (۱۲۲۵) میرزا بزوک وزیر (۵) از جانب شاه بقرا باغ در کنار رود ارس آمده بود عهدنامه صلح و اتحادی با روسیه ببندد و سرحدات گرجستان را معین کند و با تورمازف در آنجا ملاقات کرد .

در همان سال ۱۸۱۰ (۱۲۲۵) حسینقلی خان سردار ایروان با دوهزار سرباز از ایران عازم قفقاز شد و با آخال کالاک در ناحیه جاواخت رسید و در آنجا منتظر شریف پاشا حکمران آخال تزیخه (۶) و شاهزاده الکساندره و لشکریان ایشان بود که می بایست بوی ملحق شوند و می خواستند بر زمین سومخت حمله کنند . تورمازف با لشکریان روسی رهسپار شد و در تزالکا فرود آمد . از آنجا با هزار تن سرباز روسی و پانصد تن لشکریان گرجی و ژنرال ماژور ایتالیایی مارکی دو پاولوچی روانه شد . راهنمای این عده یکی از تاتارهای سروان بود که الیاس پسر ابراهیم خلیل نام داشت . شبانه با آخال کالاک رسیدند و با ایرانیان حمله بردند و ایشان را پراکنده کردند . شریف پاشا چون این وضع را دید نزد سردار ایرانی نرفت و وی با ایروان برگشت . چون عباس میرزا پسر شاه در آن زمان در گارنی بود تیمور از پسر ژبوری پادشاه گرجستان در ۱۴ سپتامبر (۱۱ شعبان) بنزد وی گریخت و عباس میرزا که در آن زمان هشت هزار تن سرباز و توپخانه منظمی با

(۱) Dmanis (۲) Gaté khili-khidi (۳) Tzalca

(۴) Portniagin (۵) مراد میرزا عیسی قائم مقام معروف بپیرزا بزوک وزیر

آذربایجانست (۶) Akhal-Tzikhé

با خود داشت که با اصول جدید فراهم کرده بودند باو احترام بسیار کرد. از آنجا نزد تورماریف رفت و وی او را بروسیه فرستاد.

در همین سال ۱۸۱۰ در ۱۶ کتبر (۱۷ رمضان ۱۲۲۵) لشکریان روسی درده آمالو در ناحیه فامبایک عباس میرزا را شکست دادند.

در ۱۴ مه ۱۸۱۱ ( ۲۰ ربیع الثانی ۱۲۲۶ ) ساعت چهار بعد از ظهر آفتاب در افق روسیه گرفت و مردم مسکو این واقعه را بدبختی بزرگی پنداشتند. در همان سال در شب چهارشنبه ۱۴ ژون ( ۲۱ جمادی الاخر ۱۲۲۶ ) ماه در آسمان روسیه گرفت و شب بسیار تاریک شد. در همان سال الکساندر امپراتور روسیه مریم ملکه گرجستان را که همسر ژورژی پادشاه آن سرزمین بود و در صومعه ای در بیلوگورود زندانی شده بود آزاد کرد و او را بمسکو بردند.

در همان سال ۱۸۱۱ ( ۱۲۲۶ ) تورمازف که چهارمین فرمانده لشکریان روسیه در گرجستان بود پس از سه سال فرماندهی عزل شد و در ماه اوت آن سال ( رجب ۱۲۲۶ ) ژنرال لیوتنان مارکی دو پاولوچی ایتالیایی را بجای او گماشتند. وی در همان سال با حسین خان بیگلریگی ایروان که شاه ایران حکمرانی آن شهر را باو داده بود محرمانه وارد گفتگو شد و باو پیشنهاد کرد که اگر قلعه و شهر ایروان را باو تسلیم کند وی بازمانده آن ناحیه را باو واگذار خواهد کرد. حسین خان هم وعده کرد قلعه را واگذار کند. پاولوچی که از دو رویی و خیانت حسین خان بی خبر بود ژنرال مژورو لیزانویچ را با دوهزار سرباز روسی برای تصرف قلعه فرستاد. حسین خان که لشکریانی از اطراف گرد آورده بود در صومعه اچیا دزین ( اوج کیسیا ) پنهان شد و بعضی اینکه سپاهیان روسی با آنجا رسیدند ایرانیان بایشان حمله بردند و آنها را عقب نشانده.

در ۱۸۱۲ ( ۱۲۲۷ ) در گرجستان و ایسرت قحطی بسیار سختی روی داد و مدتی دوام داشت. از ۱۸۱۱ تا ۱۸۱۳ ( ۱۲۲۶ - ۱۲۲۸ ) نیز در کجخت قحطی بود و همین جهت مردم آن ناحیه قیام سختی کردند. در ماه فوریه ۱۸۱۲ ( صفر ۱۲۲۷ ) شهزاده آلکساندرو از ایروان بآن ناحیه رفت که باشورشیان هندست شود و بن گزار وی بدبختی بسیاری برای وی و خانواده اش و کسانی که با او هندست شده بودند فراهم کرد. در قحطی ۱۸۱۲ ( ۱۲۲۷ ) بهای پنک کدی گندم بیش مینانئون (۱) رسید و تورماریف مجبور شد از آخال تریخه گندم وارد کند.

درین سال مارکی دو پاولوچی بقرا بغ رفت و از آنجا مهدی خان بنزد وی رفت و

(۱) minalthoun کدی معادل دو بودوربع و مینانئون پنک روبل نقره یا چهار هزار فرانک فرانسه.

هدایای گرانبها باو داد زیرا که روسها قرا باغ را گرفته بودند هر چند که خان هنوز در آنجا حکمرانی ظاهری داشت. پیشنهاد مهدی خان مارکی دو پالوچی جعفر قلی خان برادر زاده وی را گرفتار کرد، زیرا وی که محمد اصلان خان برادر مهتر وی بود خود را جانشین پدر خویش و مدعی او در حکمرانی می دانست. جعفر قلی خان از زندان گریخت و بتبریز نزد عباس میرزا رفت. پس از آن پالوچی بهتکوادر (۱) رفت تا در کارهای شکمی و شروان و دربند و باکو که بدست روسها افتاده بود رسیدگی کند، چون بقلعه رسید در میان سپاهیان روسی و خان بوتان و نوه فتحعلی خان یعنی شیخ علی خان حکمران دربند که روسها سر زمین وی را گرفته بودند جنگ مختصری در گرفت و ایشان پس از آنکه شکست خوردند بداغستان رفتند. شیخعلی خان همان کسی بود که در ۱۷۹۶ (۱۲۱۱) هنگامی که زوبف بدر بند رفت حکمرانی آنجا را داشت.

در همان سال در ۲۹ فوریه (۱۴ صفر ۱۲۲۷) جبرئیل یا گابریل پسر ژورژی پادشاه گرجستان که در ۱۳ اوت ۱۷۸۸ (۱۰ ذی القعدة ۱۲۰۲) بجهان آمده بود در سن پترزبورگ مرد و پیکرش را در صومعه نوسکی بخاک سپردند.

در همین سال ۱۸۱۲ (۱۲۲۷) مارکی دو پالوچی از فرماندهی لشکریان روسیه معزول شد و ژنرال لیوتنان رتیشچف (۲) را بجای وی گماشتند و وی آجودان خود را بژنرال ماژور آخوردف (۳) حکمران سابق تقلیس داد که از ارمنیان کرتزپلوان (۴) و از خاندان پوبولا شویلی بود.

در همان سال در روز یکشنبه ۲۵ اوت (۱۶ شعبان ۱۲۲۷) در افق روسیه آفتاب گرت و دو حلقه خون آلود مانند قوس قزح در اطراف آن پدیدار شد و تا عصر ادامه داشت و مردم فرمای آن روز منتظر جنگ و خون ریزی سخت بودند. جنگ معروف بارادینو (۵) در میان لشکریان روسیه و ناپلئون روز پیش از آن در ۲۴ ماه اوت روی داده بود.

در ۲۰ اکتبر ۱۸۱۲ (۱۳ شوال ۱۲۲۷) فتحعلی شاه پسرش عباس میرزا را بیاری آلکساندره شاهزاده گرجستان که در کاخ بود فرستاد. وی سابقاً از ایروان آمده بود که مردم را بقیام تحریک کند. در آنجا چندین بار در شیلدارمانا و شکست خورد و نساچار بکوهستان آنجا گریخت و یاران خود گرفتار مصائب سخت کرد.

عباس میرزا شش هزار تن لشکریانی که داشت که تازه آنها را تربیت کرده و بایشان سر باز می گفتند و نوز چهار هزار سوار داشت و سیزده توپ که پادشاه انگلستان باور داده بود. وی از ارس گذشت، در اسلاندوز درنگ کرد زیرا که غیر شکست آلکساندره و فرار

(۱) Mtcouar (۲) Rtichtchof (۳) Akhwerdof (۴) Krtzkhilwan (۵) Borodino

اوبداغستان بوی رسیده بود. آنگاه رتیشچف بزیرال ماژور پتروستغانیچ کاتلیاروسکی (۱) که بافوجی ازخپاره اندازان که بآن گروزینسکی (۲) می گفتند درقراباغ بود نوشت و باو دستور داد بیاری مهدی خان حکمران قراباغ بلشکریان عباس میرزا حمله کند. کاتلیاروسکی فوراً رهسپار شد و مهدی خان هم با دو هزارسوار قراباغی درپی اورهسپار گشت. چون برود ارس رسیدند بلی ساختند و لشکریان را از آن گذرانند ولی چون توپت تیراندازی توپخانه رسید پل فرو رفت و دو توپ سنگین درآب افتاد و تنها دو توپ سبک ماند. کاتلیاروسکی ازین کار نگران نشد و توپها را درآب رود گذاشت و راه را بسوی لشکرگاه عباس میرزا دنبال کرد. راهنمای او در راه تبریز مردم قراباغ بودند و بی خبر در ۲۰ اکتبر (۱۳ شوال) بلشکرگاه ایرانیان رسید و در سپیده دم بایشان حمله کرد. سپاهیان ایران هم دفاع کردند ولی چون آماده جنگ نبودند ۱۳ توپ و ۳۰۰ سربازشان را روسها گرفتند و هشت بیرق بزرگ واهم غنیمت بردند. سراسر لشکرگاه ایران بدست روسها افتاد. عباس گریخت و پناه ای پناه برد و در آنجا در صد پسر آمد دفاع کند. ولی روسها از کنار برو تاخندند و او را شکست دادند و ناچار شد بتبریز برگردد.

کاتلیاروسکی فاتح بتفلیس برگشت و امپراطور روسیه پاداشی باو بخشید و منصب ژنرال لیوتنان را باو داد. درین جنگ نه تن افسر و چهل سرباز بجز مردم قراباغ از لشکریان روس کشته بودند. این خبر جنگ اسلاندوز که بدر بارطهران رسید مهتم شد صلح کند و در اواسط سال ۱۸۱۲ (۱۲۲۷) بدرخواست شاه سفیر انگلستان سرگوراوزلی (۳) وارد کار شد و سر رابرت گوردون (۴) را بتفلیس و موریه را (۵) را نزد عباس میرزا فرستاد. در ماه سپتامبر (رمضان ۱۲۲۷) رتیشچف خود بکنار رود ارس بگدار اسلاندوز رفت و در آنجا بگفتگو آغاز کردند اما بجایی نرسید. در ۱۸ اکتبر (اول شوال ۱۳۲۷) عباس میرزا که بیست هزار سپاهی با خود داشت در کنار ارس آماده جنگ باروسپا شد. کاتلیاروسکی با دو هزار سرباز و شش توپ در ۱۹ اکتبر (۱۱ شوال) از ارس گذشت و بر ایرانیان حمله برد و ایشان را شکست داد و لشکرگاهشان را گرفت و توپخانه و مهمات ایشان را کرد. فردای آروز که روز ۲۰ اکتبر (۱۲ شوال) بود، روسها از رود کوچکی که سارس میریخت در گدار اسلاندوز گذشتند و قلعه اسلاندوز را گرفتند که بازمانده لشکر ایران به آنجا پناه برده بود و از آنجا نیز چند توپ و عده بسیار اسیر گرفتند و در روز ۲۳

(۱) Pete Stephanitch Kotliarevski (۲) Grouzinski یعنی گرجی

(۳) Sir Gore Ouseley (۴) Sir Robert Gordon

(۵) Morrier

(۱۵ سوال) کاتلیاروسکی بجای خود باز گشت. در همان زمان پیرقلی خان حکمران شکمی و سردار ایروان که بناحیه فامپاک و شوراگل رفته بودند نیز از لشکریان روسیه شکست خوردند. در همان سال ۱۸۱۲ (۱۲۲۷) فتحعلی شاه مصطفی خان را از قلعه لنکران بیرون کرد و با دوهزار سپاهی آنجا را گرفت زیرا که مصطفی خان خود را در حمایت روسها افکنده بود و بوی منصب ژنرال ماژور با پانصد تومان حقوق داده بودند که در آن زمان معادل پنج هزار روبل بود. وی از آنجا گریخت و بشکایت نزد رتیشچف رفت و وی ژنرال لیوتنان کاتلیاروسکی را با دوهزار تن با او فرستاد. روسها قلعه را محاصره کردند و کاتلیاروسکی دستور حمله داد و نردبان گذاشتند و چون از نردبان بالا رفتند که ایرانیان بسیاری از ایشان را کشتند و هفده افسر کشته شد و گونه کاتلیاروسکی زخم سختی برداشت. آنگاه یاور ایوانه آفخازیسشوبلی یکدسته دیگر لشکریان از سوی دیگر برد که از نردبان بالا رفتند و وارد قلعه شدند و درها را گشودند. سر بازان دیگری که مانده بودند نیز وارد شدند و چند تن از ایرانیان را کشتند و دیگران گریختند. همه توپخانه و مهمات و آذوقه و مقداری پول بدست روسها افتاد و ایشان مصطفی خان را دوباره بحکمرانی گماشتند و یک فوج در آنجا گذاشتند زیرا که لنکران در کنار دریای خزر است. در برابر این خدمت نشان درجه دوم سن ژرژ را بکاتلیاروسکی دادند و حکمران لنکران خراج گزار روسیه شد. این واقعه بلافاصله پس از جنگ اسلاندوز روی داده است. لشکریان ایران میر مصطفی را از طالش بیرون کرده و شهر لنکران را ویران کرده و در کنار دریای خزر قلعه ای بهمین نام ساخته بودند. بهمین جهت ژنرال کاتلیاروسکی را بدان جافرستادند. وی در ۲۱ دسامبر ۱۸۱۲ (۱۶ ذی الحجه ۱۲۲۷) ایرانیان را نزدیک ارکوان شکست داد و در این فتح سه هزار خانوار مردم قرا باغ را که باسارت برده بودند نجات داد. سپس قلعه ارکوان را محاصره کرد و گرفت که انگلیسها آنرا در جای قلعه کهنه ای بهمین نام ساخته بودند و در آن زمان فتحعلی شاه و عسکر خان از آن دفاع می کردند. در ۲۶ همان ماه (۲۲ ذی الحجه) قلعه جدید لنکران را که چهار هزار تن از ایرانیان بفرماندهی صادق خان مدافع آن بودند محاصره کرد و در اول ژانویه ۱۸۱۳ (۲۹ ذی الحجه ۱۲۲۷) بحمله آنرا گرفت. اما زخمی که درین جنگ خورده بود از آن پس مانع شد که خدمت خود را در نظام دنبال کند.

سرانجام در ۱۸۱۳ (۱۲۲۸) فتحعلی شاه در برابر فشار حوادث ابوالحسن خان شیرازی را بقرا باغ فرستاد. رتیشچف چون از تفلیس رهسپار شده بود ایشان در زیبا نزدیک گلستان بیک دیگر رسیدند. ایرانیان و روسها باهم صلح کردند و بنا بر عهد نامه ای که در میانشان بامضاء رسید سرحد خود را چنین قرار دادند: از کنار رود ارس، میگری

و شورا گل در دست روسیه مانند مانند خان نشین های قراباغ تا کنار ارس و گنجه و شکلی و همه شروان و باکبو و طالش و لنکران و دربند و همه داغستان و قبه و سراسر گرجستان و ایسرت و انجاز و حدود آن و گوریا و نواحی آن ، ایرانیان نواحی ایروان و اچمیادزین و سرزمین آن سوی رود ارس را از پل خدا آفرین بدان سوی نگاه داشتند . چون صلح در میان ایران و گرجستان برقرار شد ابوالحسن خان باز گشت و در تیشچف بتفلیس رفت .

گفتگو درباره عقد قرار داد در سال ۱۸۱۳ (۱۲۲۸) آغاز شد ، از جانب ایران نخست سرگور او زلی که در اوچان دوسی میلی تبریز در نیک کرده بود وارد گفتگو شد و پس از او میرزا ابوالحسن که اقامتگاه خود را در ناحیه گلستان نزد زیوه در قراباغ قرار داد در تیشچف و وزیر ایرانی در ۲۸ سپتامبر (۲ شوال) به رسیدند و عهدنامه در ۱۲ اکتبر (۱۶ شوال) بامضا رسید . ابوالحسن خان در آغاز ژون ۱۸۱۴ ( اواسط رجب ۱۲۲۹ ) بروسیه رفت و در ۱۵ سپتامبر ( سلخ رمضان ) مبادله عهدنامه در تفلیس روی داد .

در ۱۸۱۴ (۱۲۲۹) فتحعلی شاه ابوالحسن خان شیرازی را که نایب وزیر بود به سفارت به بار روسیه فرستاد و مامور بود عهد نامه صلح و تعاریفات و هدایای او را برای امپراتور روسیه ببرد و از جمله دو فیل سراپا جل کرده و چهارده اسب از آن بهترین نژاد بود . چون بمسکو رسید با تجمل بسیار از او پذیرائی کردند و چهار ماه در آنجا ماند . در ۲۰ دسامبر ۱۸۱۵ (۱۸ محرم ۱۲۳۱) امپراتور روسیه در پترزبورگ ابوالحسن شیرازی سفیر کبیر ایران را پذیرفت و هدایایی را که با به خان که او را فتحعلی شاه نامیده برای او برده بود بحضورش بردند . از دروازه شهر تا خانه سفیر کبیر فر اولان صف کشیده بودند . ژنرال لیوتوان سویمون (۱) پسر اورام سولاقا شویسی (۲) با کاسکه امپراتوری و چند تن دیگر با استقبال او فرستادند . ابوالحسن سخن با این تشریفات وارد شهر شد و بیرق پادشاه خود را که باز کرده در دست داشت با خود می برد ، چند روز بعد عهد نامه را با این هدایا تسلیم کرد ؛ دو فیل نر و ماده که چتری از زری با خود داشتند ، دوازده اسب از بهترین نژاد ها که زین پوش ترمه داشتند ، ۱۴ صاق شال کشمیری گران بها ، سه تسبیح مروارید صد دانه بدرشتی دانه فذسق ، و یک چهار یک مروارید قیمتی دو زمره بسیار شاداب بوزن یک قروش ، سه شمشیر گران بها ، زر در روش و تیمور لیک و شاه عباس بزرگ ، مومیائی اعلا و چند سنگ پازهر ، جعبه های نیشی ، نقاشی اصفهان که در یکی از آنها ترازوها و مقراضه های زرین بود و علامتی بشمار می رفت ، دو قالی ابریشمی کرک بند خراسانی بسیار اعلا . برای امپراتریس بمنزلهت همسر امپراتور هدایای شاه عبارت

بود از شش حلقه شال، شش قطعه قالی، يك تسبیح جواهر، و نیز هدایایی برای مادر امپراتور و برای بزرگان امپراتوری روسیه هم شاه برای هر يك بهراخورشان هدایایی فرستاده بود. سفیر کبیر يك سال تمام در دربار روسیه ماند و باو احترام بسیار کردند. در سال ۱۸۱۶ (۱۲۳۱) ژنرال رتیشچف فرمانده کل سپاه گرجستان عزل شد و ژنرال لیوتان الکسیس پتروویچ یرمواف (۱) را که هفتین فرمانده لشکر آن ناحیه بود بجای او گذاشتند. وی در ۲۸ مه ۱۸۱۶ (۲۶ جمادی الاخر ۱۲۳۱) باین سمت برگزیده شد و در پایان سال ۱۸۱۷ (آغاز ۱۲۳۳) وارد تفلیس شد.

در ضمن یرمواف سفارت کبرای ایران گذاشته شده بود و مامور بود از گرجستان بدربار فتحعلی شاه برود و آخرین امضاء را در عهدنامه دائمی با ایران بکنند و سرحدات گرجستان را معلوم کند. زیرا که در ماده دوم عهدنامه گلستان چند نکته مشکوک مانده بود. وی حامل هدایای گران بهای بسیار برای شاه بود و نیز هدایایی از جانب امپراتریس برای زنان شاه و شاهزادگان محمد علی میرزا و عباس میرزا و بزرگان ایران.

در روز چهارشنبه ۲۳ اوت ۱۸۱۶ (۲۹ رمضان ۱۲۳۱) ساعت هشت شب بولون پسر اراکلی پادشاه گرجستان که ۵۷ سال داشت پس از چهار سال بیماری بسکته در گذشت و پیکرش را در پترزبورگ در کلیسای سن ژان کریزوستوم (۲) در صومعه نوسکی بشاک سپردند.

در ۱۷ آوریل ۱۸۱۷ (سلح جمادی الاولی ۱۲۳۲) از گرجستان بسوی ایران بعنوان سفیر کبیر در دربار فتحعلی شاه راهی شد. چون بساطلانیه رسید شاه در آنجا بود و او را پذیرفت. در ۲۰ ژویه (۶ رمضان ۱۲۳۲) هدایایی را که همراه داشت بشاه داد و سرحدات دو کشور و شرایط اجرای عهدنامه را معین کردند و پس از چندی یرمواف بگرجستان برگشت.

در موقع توقف در ایران فتحعلی شاه یرمواف را دوبار بحضور خود بدیرمت. بار اول در ۳۱ ژویه (۱۷ رمضان) که در مسایل سیاسی بحث کردند. بار دوم در سوم ماه اوت (۲۰ رمضان) که روز تعطیل بود و در آن روز هدایایی را که دیر رسیده بود بشاه دادند. در جلسه اول بزرگ ترین مانعی که پیش آمده بود که بزحمتی توانسته بودند سفیر کبیر را وادار کنند در موقعی که وارد اطاعتی میشود که شاه در آن نشسته است چکمه خود را بکنند این عادت در آسیا برای رعایت قالبهاست که در اطرافها گسترده اند. سرانجام یرمواف باین کار تن داد ولی تقاضا کرد بگذارند با کفشی که در زیر چکمه خود پوشیده است وارد شود و زیر چکمه خود يك جفت چکمه دیگر ساغری سرخ پوشیده بود که بسیار







ژنرال آلکسی پروویچ پرمولف  
فرمانده سپاه روسه در خوارلی

طریف بود و جای جوراب را می گزید و ماموران تشریفات ایران چاره جز تسلیم نداشتند.  
 در ۱۸۱۸ (۱۲۲۳) محمد حسن افشار از جانب فتحعلی شاه سفارت کبری پترز-  
 بزرگ رفت و ۱۳ اسب بسیار خوب برای امپراتور هدیه برده بود. در ماه مه ۱۸۱۹  
 (رجب ۱۲۳۴) محمد حسن خان افشار سیر کبیر فتحعلی شاه از پترزبورگ عازم ایران شد  
 امپراتور روسیه هدایایی برای شاه ایران فرستاد که آنها را باوتیک ایزمیرل (۱) و  
 بموزه (۲) از اسرآن پلیس پسر نامشروع شیوش (۳) سپرده بودند و آن عبارت بود از  
 لکن گردی از بلور تراش که دوره آن سه آرشین بود و یک آرشین بلندی داشت و در میان آن  
 مواردی بود. بعضی اینکه آنها پرمی کردند مواردی برای می افتاد و دیگر فرونی شست  
 زیرا آبی که در آن می ریختند از میان نمی رفت و از نوله با آن بالامی رفت و دوباره فرود  
 می آمد. هدایای دیگر عبارت بود از یک سرویس سر میز بلور و گلدانها و گیلاسهای  
 بسیار گران بها که روی هرفته ۱۶۰۰ تومان ارزش داشت که در آن زمان معادل صد و  
 شصت هزار روبل و تقریباً صد و هشتاد هزار عراقی بود.

در ۱۸۲۰ (۱۲۳۵) در گنجه ملح خوارگی شد و نا تمیس این آمت امتداد داشت  
 و در همان سال دو کرتیل و کاخ خشک سالی سخت روی داد و یک نضرم باران بارید  
 و همه گیاهها خشک شد و فطحی بجایی رسید که یک کدی گندم را چهارمینا تون فروختند  
 در ۱۸۲۱ (۱۲۳۶) جنگ در میان عثمانی و ایران در گرفت و ایرانیان فرماندهی  
 محمد علی میرزا پسر فتحعلی شاه که فرماندهی شایسته و بسیار دلآور بود بغداد و وان ارز  
 روم و طرابوزان را گرفتند و نزدی در نتیجه میا جی گری انگلستان صلح کردند. درین  
 زمان محمد علی میرزا پسر فتحعلی شاه که فرمانده این جنگ در برابر ترکان عثمانی بود  
 در بغداد کشته شد تا آنکه مرگ او بر لشکریان او بسیار گران آمد فتحعلی شاه عهدنامه  
 صلح را امضاء کرد. بغداد را گرفت و پادشاهی آن شهر را ناگزیر کرد شهر را تسلیم کند  
 و چون انگلیسها بسیار ناراضی شدند همه کسانی را که ازین ملت در ایران بودند از ایران  
 بیرون کرد.

در ۱۸۲۲ (۱۲۳۷) فتحعلی شاه دوباره با عثمانی وارد جنگ شد و بغداد و آستولی  
 شگر کشید و لشکریان ایران بارز روم رسیدند و در آنجا ترکان رو برو شدند. در  
 جنگ سختی که در گروت پادشاهی قورص و ارز روم و صراسوزان کشته شدند و جنگ  
 مدتی ادامه یافت

در ۱۸۲۳ (۱۲۳۸) روسها مهدی خان حکمران قراباغ پسر ابراهیم خان را از  
 تقاضای بیرون کردند وی در سپاه روسیه منصب ژنرال مائور داشت و باو نشان داده بودند

وازد جانب روسها حکمران قراباغ شده بود . اما چون سپاهیان روس این ناحیه را تصرف کردند و يك تن ازارمندان را به حکمرانی آجاگماشتند وی او را متهم کرد . جعفر قلی آقا پسر محمد حسن آقا برادر زاده مهدی را گرفتند و در روسیه در شهر سیمبیرسک (۱) زندانی کردند .

در ماه ژوئیه ۱۸۲۶ (ذی الحجة ۱۲۴۱) چنگ دوم در میان ایران و روسیه در گرفت و ایرانیان بار دیگر بفقار حمله بردند و نتیجه‌ی شاه با شست هزار تن وارد چنگ شد .



شیرین برنوبه در بیری



## فهرست نامهای کسان و نسبت ها

آلان : ۲۳۱	آ
آلانی : ۲۳۱	آ باز (عباس) : ۳۱۹
آلانیان : ۲۳۱، ۵۹	آجارها : ۵۹
آلبانی : ۲۳۱	آخوردف (ژنرال مازور) : ۲۳۰
آلکساندر اول : ۹۱، ۷۹، ۶۸-۹۱، ۹۵، ۹۲، ۱۲۵،	آدم : ۱۷۶، ۱۷۱، ۱۶۸
۱۳۹-۱۴۰، ۲۰۳، ۲۳۸، ۲۴۰، ۳۱۸، ۳۱۹،	آدمیت (رکن زاده) : ۳
۳۲۹، ۳۲۴	آدمیت (فریدون) : ۲
آلکساندر پادشاه گرجستان : ۲۳۲	آذربایجانی : ۱۸
آلکساندره پسران کتی : ۳۱۷، ۳۱۵، ۳۱۲	آذری (س. علی) : ۳
۳۱۸-۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۸-۳۳۰	آریایی : ۶-۱۷، ۸۴، ۲۳۰-۲۳۱
آلمانی : ۴	آریایی ایرانی : ۲۳۰-۲۳۱
آمبرارد نیزه : ۳۱۵	آریایان ایرانی : ۸۵
آنا ایوانوونا : ۴، ۲۹۹، ۳۰۹، ۳۰۴	آزادخان افغان : ۳۵
آ. منگه گرجستان : ۳۱۸	آزر : ۱۶۹
آوتیث یزمیرل : ۳۳۵	آسیایی : ۷۷-۲۰۱
ا	آقابابا : ۳۲۴-۳۲۵
ابفا : ۱۹	آقاجن کولمانیشویلی : ۳۱۴
اندرین : ۵۹	آقخان : ۳۹
ابدال خان کرد : ۲۷۲	آقاسی (حاج میرزا) صدراعظم : ۱۱۳
اندلی : ۹۹	آقا محمد خان قاجار : ۳۸، ۳۵، ۳۱، ۲۵، ۵-
ابراهیم (حاجی) : ۲۹۶	۴۰، ۴۲، ۵۸، ۶۱، ۷۶، ۸۰، ۸۲، ۸۴، ۸۹، ۹۱،
ابراهیم حاج (حاجی) ر محمد ابراهیم	۱۰۱، ۱۱۵، ۱۵۲، ۲۰۰، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۳۸،
ابراهیم خان (حاج میرزا) آسیبی صدیق -	۲۵۲، ۲۷۱، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۸۸، ۳۱۲-۳۱۶،
المعات : ۲	۳۲۴
ابراهیم خان بغیرلی : ۳۶، ۳۴	آوقویو لوها : ۱۴-۱۸، ۲۳، ۲۴، ۴۳

- ابراهيم خان بن مهد يقلى خان (سمو): ۳۹  
 ابراهيم خان پسر فناخان: ۳۱۶، ۳۱۲  
 ابراهيم خان حكمران شوشى: ۳۲۶، ۳۲۳، ۳۱۵  
 ابراهيم خان حكمران قرا باغ: ۳۱۸، ۳۲۵-۳۲۶  
 ابراهيم خان قاجار: ۱۸۰  
 ابراهيم خان قاجار عم زاده حسينقلی خان: ۲۵۲  
 ابراهيم خليل تاتار: ۳۲۸  
 ابراهيم خليل خان: ۶۱-۶۴، ۶۲، ۶۹-۷۰  
 ابراهيم خليل خان حكمران قرا باغ: ۲۳۵-۲۳۶، ۲۴۵، ۲۴۹، ۳۳۵  
 ابواسحق: ر. محمد  
 ابوالحسن خان ايلچى شيرازى (ميرزا): ۱۱۹، ۱۸۹-۱۸۹، ۱۹۰، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۶۱، ۲۶۳، ۳۳۲-۳۳۳  
 ابوالحسن عليشاه محلايى: ۳۹  
 ابوالفتح ر. محمد بن عناز  
 ابوالفتح خان جوانشير: ۲۴۸، ۲۴۵  
 ابوالفتح خان زند: ۴۳  
 ابوالقاسم قايم مقام فراهانى (ميرزا): ۲۱، ۲۲۲، ۱۴۷، ۱۰۸، ۸۱، ۷۹  
 ابوتراب صفوى (ميرزا): ۳۴، ۳۳  
 ابوسعيد: ۲۰  
 اخبارى: ۲۵۱ ر. محمد  
 احمدخان: ۲۱۵  
 احمد خان درانى ابدالى: ۲۸۹، ۹۹ ر. احمد شاه ابدالى  
 احمد خان مقدم حاكم تبريز و مراغه: ۲۴۳، ۲۴۹  
 احمد شاه ابدالى: ۳۴ ر. احمد خان درانى  
 احمد شاه قاجار (سلطان): ۴۳  
 احمد قزوينى (ميرزا): ۳۲  
 اخستان: ۶۰  
 اديب هروى خراسانى (محمد حسين): ۳  
 اراكلى: ۳۱۹، ۳۱۷، ۳۱۵، ۳۱۳-۳۱۲، ۸۹
- ۳۳۴، ۳۲۶ ر. اراكلى و هراكليوس  
 ارامنه: ۲۰۱، ۱۰۱ ر. ارمنى وارمنيان  
 ارتودوكس يونانى: ۵۹  
 ارچيل: ۳۱۲  
 اردشير بابكان: ۱۰  
 ارسطو: ۱۸۷  
 اراكلى خان: ۶۴، ۷۸-۱۷۹ ر. اراكلى و هراكليوس  
 ارمنى: ۲۰۱، ۲۳۵، ۲۳۸، ۳۱۳ ر. ارامنه وارمنيان  
 ارمنيان: ۲۲، ۶۲، ۶۴-۶۵، ۸۱، ۸۶، ۲۰۷، ۲۱۲، ۲۴۱، ۲۴۳-۲۴۴، ۲۶۳-۲۶۴، ۳۲۲، ۳۳۰، ۳۳۶  
 اروپايى: ۱۷، ۴۴، ۷۷، ۷۸، ۸۱، ۹۶، ۱۲۰، ۱۳۰، ۲۰۹، ۲۶۳، ۳۲۴  
 اروپايى: ۴، ۱۴، ۲۴، ۱۰۵، ۲۶۴  
 ازبك: ۷، ۱۶، ۱۴، ۸-۷، ۲۰، ۲۱، ۲۴، ۲۸-۲۹، ۸۲-۸۱، ۶۸  
 اسانيابى: ۴  
 اسپيدان طبرستان: ۹  
 اسدالله (مرزا) خان نورى وزير لشكر اعتماد الدوله صدر اعظم: ۶۱-۶۲  
 اسد بيك: ۶۳  
 اسكالون: ۱۰۷  
 اسكندر: ۶، ۲۶-۲۷، ۱۵۶، ۱۸۱، ۱۸۳-۱۸۵  
 اسكندر پادشاه گرجستان: ۲۳۷، ۲۳۹  
 اسكندر پاشا: ۲۸  
 اسكندر مقدونى: ۲۸۹  
 اسمعيل ر. مدك  
 اسمعيل بيك اعتماد الدوله: ۲۹۳، ۲۹۵  
 اسمعيل بيك بيات غلام: ۱۰۱، ۱۱۵، ۲۰۰  
 اسمعيل بيك پيشخدمت پاشى: ۱۲۹-۱۳۰، ۱۳۶، ۱۴۷  
 اسمعيل بيك دامغانى: ۲۴۴



- اسمعیل خان دامغانی: ۲۴۸، ۲۴۶-۲۴۵  
 اسمعیل خان شامیاتی قاجار: ۲۴۷-۲۴۶  
 اسمعیل خان قاجار حکمران خوی: ۲۴۵  
 اسمعیل دوم (شاه): ۲۸، ۲۴  
 اسمعیل سوم (شاه): ۳۴  
 اسمعیل صفوی (شاه): ۵۱، ۲۴-۲۳، ۱۸-۱۷  
 ۶۴  
 اسمعیل طیب اصفهانی (میرزا): ۲۱۷  
 اسمعیل میرزا صفوی: ۲۸  
 اسمعیلیه: ۳۹  
 اشاق باش: ۲۱  
 اشاقه باش: ۳۶، ۳۲، ۲۱  
 اشیختر: ۲۵۱، ۲۳۹، ۱۸۰-۱۷۹  
 اشیخدر: ۲۵۰، ۸۰-۱۷۸  
 اشرف افغان: ۲۹۹، ۲۹۵  
 اشرف بن عبدالله افغان: ۳۱-۳۰  
 اشرف جان دودمانی: ۲۴۷  
 اشکانی: ۲۳۱  
 اصلان خان: ۲۱۵، ۲۱۳-۲۱۲  
 اصلش خان قاجار: ۳۲  
 احمد الدوله ر. اسدالله و محمد ابراهیم و محمد حسین و اسمعیل  
 اعتمادالسنطه: ۲۸۰، ۴  
 اعراب: ۲۳۱، ۷۸ ر. عرب و تازی و تازین  
 اغویان: ۲۳۱  
 اغوزخان: ۲۲  
 افراسیاب: ۱۸۱  
 فریب (خاندان): ۹  
 افریقایی: ۱۷۷  
 فسار: ۴۷، ۴۵، ۴۷، ۲۵، ۲۳، ۱۹-۱۶، ۸، ۶  
 ۵۲-۵۱، ۵۷، ۵۴  
 افشرد: ۲۳۲  
 افغان: ۲۹۹، ۲۹۵، ۲۶۹  
 فدایی: ۸۲، ۸۱، ۶۶، ۳۶-۳۴، ۳۲، ۳۰، ۲۳  
 ۸۶-۸۷، ۸۷، ۹۹، ۹۷، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۸-۱۳۷
- ۲۹۵، ۲۹۰، ۱۴۶  
 افغانی: ۲۸۹  
 اقبال (عباس): ۲۰۶، ۳  
 اقلیدس: ۱۷۲  
 البشکین: ۱۳  
 القاس میرزا صفوی: ۲۸  
 الکساندر پادشاه گرجستان: ۶۱ ر. اسکندر  
 والکندر  
 الکساندر لکزی: ۶۵  
 الکستدر میرزا والی تلیس: ۲۴۵، ۲۲۷  
 ابنه فلی بیث قاجار: ۲۸  
 ابنه وردی خان جرمی: ۴۱  
 ابنه وردی خان قاجار (حاج): ۲۴۶  
 الیاس پسر ابراهیم خلیل: ۳۲۸  
 الیس (مستر): ۱۹۸  
 الیسار: ۳۲۵-۳۲۴  
 امام هشتم: ۶۹، ۵۱  
 امان الله خان: ۱۴۱  
 مره: ۸  
 امرت: ۸  
 امیرالامراء: ۹  
 میرگوه خان ر. گوه  
 امین الدوله ر. محمد حسن  
 انصاری (میرزا حسینخان): ۳  
 انگلیس: ۸۲-۸۳، ۹۰، ۹۲، ۹۵، ۹۶، ۹۸-۹۹  
 ۱۰۸-۱۰۹، ۱۱۲، ۱۲۱، ۱۲۷، ۱۲۴، ۱۲۶-۱۳۰  
 ۱۳۷، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۵  
 ۱۴۷، ۱۵۵، ۲۰۴-۲۰۴، ۲۱۴، ۲۱۵-۲۱۸  
 ۲۲۵-۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۵۴، ۲۹۱، ۳۳۲  
 ۳۳۵  
 گنسی: ۱۳۶، ۱۲۹، ۱۲۴، ۱۰۹، ۹۶، ۴  
 ۱۴۷، ۱۹۰، ۲۲۵، ۲۳۰، ۲۳۵  
 وتره: ۱۰۹، ۱۰۰  
 ورنه و آتشی (زاد): ۵۰  
 وزراء سوزا و سولجی: ۳۳۳

ایوان دوم : ۲۳۲	اورنگ زیب : ۵۲
ایوان ششم : ۳۰۹	اوزبک : ۷
ایوانف : ۳	اوزلی (سرگور) : ۱۹۷، ۳۳۳، ۳۳۱، ۲۵۴
ایوانه : ۳۱۵-۳۱۳	اوزونلی : ۳۱۵
ایوانه آفتاز یسشیویلی : ۳۳۲	اوزون حسن : ۲۳، ۱۷
ایوانه اوربلیان : ۳۲۲	اوستاش : ۳۱۳
ایوانه چوچقیا شویلی : ۳۱۴	اوسف وازیسوویچ : ۱۵۳-۱۵۲
ایوی (خاندان) : ۱۱	اوطار : ۳۱۳
<b>ب</b>	ایتالیایی : ۳۲۹-۳۲۸، ۲۸۷، ۱۰۷، ۷، ۴
بابا خان (فتحعلی شاه) : ۷۴، ۴۸، ۴۱، ۳۸ -	ایراکلی : ۲۴۵، ۲۴۱، ۲۳۹-۲۳۲
۳۳۳، ۳۱۶، ۲۷۶، ۲۳۷، ۷۵	ایرانسکی (س) : ۳
بابای رشتی (میرزا) : ۲۸۵، ۲۸۰	ایرانی : ۸۶، ۸۴، ۸۲، ۷۸، ۴۷، ۱۷، ۱۲-۹
بابر (ظہیر الدین) : ۲۸۹، ۱۴	۹۹-۱۰۰، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۳۶، ۱۳۷
بابری (سلسلہ) : ۹۰، ۱۴	۱۵۳، ۱۷۳، ۱۹۵، ۲۱۰، ۲۱۰، ۲۲۲، ۲۲۸، ۲۳۰
بابل سری : ۳۴	۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۷-۲۴۵، ۲۴۹، ۲۸۶-۲۸۸
بادوسپانیان : ۹	۳۱۱، ۳۱۳، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۲۸، ۳۳۳
بارال (ژورڈ) : ۱۵۱	ایرانیان : ۱۰۳، ۸۶، ۸۲، ۷۵، ۵۹، ۵۸، ۶، ۴
باراویکووسکی (ولادیسیر نوکیچ) : ۲۸۶ -	۱۰۵، ۸، ۱۰، ۱۱۲، ۱۱۷، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۹، ۱۳۲ -
۲۸۸	۱۳۶، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۸۸
باریس گادونف : ۲۳۲	۱۹۷، ۲۰۲، ۲۰۴-۲۰۷، ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۲۷
باسانو (دوک دو) : ۲۰۱-۲۰۰	۲۳۰، ۲۳۲، ۲۳۹، ۲۴۶، ۲۴۷-۲۵۴، ۲۶۱
باشقرہ : ۶	۲۹۰، ۲۹۲، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۳، ۳۱۷-۳۱۹
باگرانی : ۲۳۱	۳۲۱، ۳۲۳-۳۲۴، ۳۲۷، ۳۲۹-۳۳۱، ۳۳۳
باگراتیان : ۶۰	۳۳۵-۳۳۶
باگراتیون : ۳۳۳	ایرانیہ : ۱۱۸
باوندیان : ۹	ایستیماف : ۱۱۱-۱۱۲، ۱۲۱، ۱۲۳، ۲۲۴
بایندر : ۲۲، ۱۹، ۱۷-۱۶، ۸، ۶	۲۵۳
بایندری : ۱۸	ایشخندر : ۲۳۹
بیرسلطان : ۲۷۳	ابٹک آقاسی باشی : ۲۲۲
بتریا : ۳۲۰	اینخان منول : ۱۴
بجناک : ۲۲، ۱۸-۱۶، ۶	اینجانلی : ۲۰
بختیاربہا : ۱۱	ایلک خانی : ۱۳
بداق خندان قاجار : ۲۸	ایناسو : ۱۸
بداق سلطان قاجار : ۲۸	ایوان چہارم واسیلیویچ : ۲۳۲، ۶۱
براسن : ۱۷۶-۱۷۵، ۱۶۸	ایوان دوازدهم : ۲۳۳

براون انگلیسی (ادوارد): ۳

پ

- |  |  |
|--|--|
| پاتیمکین: ۲۳۳-۲۳۴                                    | برسخان: ۶                                  |
| پاسکیویچ: ۸۳   | برطاس: ۶                                   |
| پاول اول: ۶۸-۷۰، ۷۹، ۸۹، ۹۲، ۹۵، ۲۳۴                 | برنار: ۱۰۷                                 |
| ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۸۸، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۲۵                         | بروسه: ۳۱۲                                 |
| پاولوچی (مدرکی دو): ۳۲۸-۳۳۰                          | بزرگ (میرزا) قائم مقام: ۱۴۰، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۴۰ |
| پونوویچ (م): ۳                                       | ۱۴۲، ۱۹۷، ۲۲۳، ۲۲۸، ۳۲۸، عیسی              |
| پوله نرتیزیشونسی: ۳۱۸                                | بطلیوس: ۱۷۲                                |
| پین: ۱۰۸   | بقراطیان: ۶                                |
| پتراول: ۳۰۵، ر. پتر کبیر                             | بکشلو: ۱۸                                  |
| پتر دو: ۲۹۵  | بکنج: ۳۳                                   |
| پتر کبیر: ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۸۸، ۸۹، ۱۴۲، ۲۳۳               | بکوویچ چرکاسکی (کنیاز آلکساندر): ۸۸        |
| ۲۵۵-۲۶۴، ۲۹۵، ۲۹۹، ر. پتراول                         | بلغار: ۱۶، ۱۸                              |
| پچناک: ۲۲  | بلغارها: ۸                                 |
| پچنک: ۲۲   | بنا پارت (- پلئون): ۹۰، ۹۵، ۱۰۲، ۱۶۱، ر.   |
| پچه: ۲۲  | ناپلئون و بونی قارت                        |
| پرتعابیه: ۲۱۱  | بنطان (اوغوست): ۱۵۷-۱۵۸، ر. بوتان          |
| پروسینا: ۱۱۱   | بواسون: ۱۰۷، ۱۶۸                           |
| پرتو: ۱۰۸  | بوداق: ۱۹۷-۱۹۸                             |
| پروه (حدس): ۳۰                                       | بوداییان: ۲۸۹                              |
| پسک طس: ۳۰۰، ر. شه پنگ                               | یوننان (اوگوست): ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۵۷، ۱۵۹        |
| پوبولا-وینی: ۳۳۰                                     | ۱۶۵-۱۶۶، ۲۰۲، ۲۲۵، ۲۲۶، ر. بطن             |
| پوراز: ۱۶۴   | بونی قارت: ۱۶۱، ر. بنا پارت                |
| پورتیا شین از (ر): ۳۳۸                               | بویو احمدی: ۱۰                             |
| پوت که رت ابرس دوار: ۱۳۱                             | بویه: ۹                                    |
| پودوش: ۲۵۰   | بهر (ملک الشعراء): ۴                       |
| پیامبر: ۲۵۰  | بهبود خان: ۳۳                              |
| پیرسی من ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱ | بیان: ۱۷، ۱۸، ۱۹                           |
| ۳۳۲، ۳۳۵   | بیانکی دادا: ۱۰۷، ۱۳۵                      |
| پیرون: ۳۱۳   | بیای (خا-ب): ۱۵۶، ۳                        |
| پیکار خا: ۶۱   | بیراه بیت قجر: ۲۸                          |

ت

- |                    |                   |
|--------------------|-------------------|
| ت-۱: ۸۷، ۶۰، ۱۳، ۶ | بیزن خان: ۶۱      |
| ت-۲: ۳۲            | بیکدار: ۶         |
| ت-۳: ۶۹، ۳۴        | بیکر: ۱۰۰         |
|                    | بیکسی حق ازبک: ۷۴ |

۱۹۷	نازی: ۲۸۹،۹۴،۶۳،۵۹،۱۳،۱۱
ترکی آذربایجان: ۲۳،۱۷	تلزیان: ۹۸،۸۳،۸۱،۷۸،۶۰،۱۳-۱۲،۹-۸
ترکی ترکیه: ۱۶	۲۹۰،۲۳۱
ترکی جغتای: ۱۴،۸	تالران (شارل موریس): ۲۲۸،۱۹۹،۹۸
ترکی جغتایی: ۲۰،۱۶،۱۴	تالستای (کنت): ۱۹۱
ترکی شرقی: ۱۹،۸،۷	تالستوی (کنت): ۱۹۲-۱۴۸،۱۳۳،۱۲۵،۱۲
ترکی غربی: ۲۳،۱۹-۱۸،۷	تانکوانی (ز. م.): ۲۰۶،۱۸۴-۱۸۲،۱۰۷۰
ترماسف (ژوران): ۱۹۷	۲۲۴-۲۲۱
ترمه ساو: ۱۹۷	تاوبرا: ۳۲۵
تروئیتسکی: ۳۲۷	تبریزی (دینار): ۱۱۸
تروئیلیه: ۲۲۱-۲۱۹،۱۳۲،۱۰۷	تیتانارخینستویلی: ۳۲۰
تدیا (و. و.): ۳	توزل (کامیل): ۲۱۹،۲۰۵
ترتیزسویلی (پاول): ۳۱۸، ۳. سیتسیانف	توسا: ۱۸۱،۶۶،۶۰
تزیکاراشویلی: ۳۲۷	توسایان: ۲۹۱
ستسیانوف (ژنرال پاول): ۱۸۰-۱۷۹،۶۸	ترک: ۸۴،۷۶،۴۷،۴۲،۲۵-۲۲،۱۹-۱۱،۷-۶
۳۲۶-۳۲۱،۳۱۹-۳۱۸،۲۵۳-۲۳۹	۲۱۰،۱۳۶
تفرغز: ۷-۶	تسرکان: ۴۳،۲۴،۲۲،۱۷،۱۵،۱۳-۱۱،۷-۶
تقی (میرزا) علی آبادی منشی الممالک صاحب	۲۳۴،۲۳۲-۲۳۱،۲۲۹،۲۰۷،۱۴۶،۸۵-۸۴
دیوان: ۱۵۴،۷۶،۲۱	۲۳۶،۲۳۶ - ۲۴۱،۲۴۲ - ۳۰۹،۳۰۷،۲۹۰،۲۶۹،۲۴۲
تکه اوعلو (حاندان): ۱۵	۳۳۵
تسمی طالقابی (محمد): ۳	ترکان ایلیک خانی ۱۳
تورمارف (الکساندر پتروویچ): ۳۲۹-۳۲۷	ترکان شرقی: ۲۱،۱۸-۱۶،۱۳-۱۲،۸-۷
تورماسف ۲۵۲	ترکان عثمانی: ۸۶،۸۱،۶۱،۲۷،۲۴،۲۲،۱۶
توکللی (احمد): ۱۱۸،۳	۲۳۱،۲۲۹ - ۲۳۱،۲۳۲ - ۲۳۴،۲۳۲
تیمورات ۲۲۳	۳۳۵،۳۰۹،۲۹۰
تیموراز ۳۲۸،۳۲۰،۳۱۸،۲۴۰،۲۳۲-۲۳۱	ترکان غربی: ۸۵،۲۴،۲۲-۲۱،۱۹-۱۲،۸-۷
تیموراز دوم: ۲۳۳	ترکان مغرب: ۱۵
تیسورگورکن: ۲۸۹،۶۰،۲۳،۱۷،۱۴،۷	ترکمان: ۷۶،۴۱،۳۳-۳۲،۲۷،۱۸،۱۶،۷-۶
تیمورلنگ: ۳۳۳	۲۷۷،۲۶۲
تیموری (ابراهیم): ۳	ترکمانان: ۳۶،۳۲،۲۸-۲۷،۲۱،۱۶،۱۳،۷
تیسوریان: ۲۳۱،۲۲-۲۱،۱۴	۲۷۷،۲۷۵،۴۹-۴۸،۴۱-۴۰
ث	ترکمانها ۲۷۶
ب. ب. (خانم): ۲۰۶،۱۸۳	ترک و مغول: ۵
ثانی: ۸۱،۷۹	ترکیها: ۲۰۶
ج	ترکی: ۱۰۷،۹۴،۷۲،۴۲،۲۳،۱۶،۱۱،۷
جاعتای: ۸	

- جان‌دیر جان‌دیریشویلی: ۳۱۳  
 جبرئیل پسر زورژک: ۳۳۰  
 جرز: ۵۹  
 جستایان: ۹  
 جعفرخان بن صادق خان زند: ۲۸۴، ۴۴۴-۴۳  
 جعفرخان حقایق نگار (میرزا): ۲  
 جعفرقلی خان بن محمد حسن خان: ۴۷، ۳۹  
 ۲۸۵-۲۸۴، ۲۸۲-۲۷۸، ۲۷۶-۲۷۱، ۵۶، ۵۴  
 جعفرقلی خان خوبی حکمران توخا: ۳۲۴  
 جعفرقلی خان قراباغی: ۳۳۰  
 جعفر نجفی (شیخ): ۲۵۰  
 جغتایی: ۱۹، ۱۴، ۸  
 جلال‌الدین فیروزشاه خلجی: ۲۸۹  
 جلایر: ۲۰  
 جلایریان: ۲۰، ۱۵  
 جم: ۲۶۸، ۲۲  
 جمشید: ۱۷۴، ۱۷۱، ۱۶۷، ۱۵۸  
 جمال گیلانی (حاجی): ۲۷۴  
 جوادخان پسر شاهوردی خان: ۳۱۳  
 جوادخان حکمران قراباغ: ۳۱۵  
 جوادخان قاجار حکمران گنجه: ۱۱۸، ۶۳-  
 ۳۱۹، ۲۴۱، ۱۷۹  
 جونز: ۱۱۱، ۱۰۹، ۱۰۰  
 حوبر (سرهمرد): ۱۹۰-۱۸۹، ۱۳۱  
 جونز روح (سرهمرد): ۲۲۰، ۲۱۸  
 جهان بیگلو: ۲۷۶، ۳۲  
 جهان بی بی خانم: ۳۹  
 چپ سوزر حسینقلی خان  
 چپ سوز (رضنا): ۳  
 چپ‌گیر میرزی قاجار: ۲  
 ج  
 چراغ خان بختیاری: ۶۲۰  
 حرکاسکی (کیز-آکس-میرکویج): ۸۸  
 چرکین: ۸۸، ۷۶، ۶۴  
 چمپه سوز: ۱۸  
 چلبی بیگ قاجار: ۲۹  
 چنگیز: ۶-۱۳۰۷-۱۴-۲۰  
 چوپانیان: ۱۵  
 چوش: ۳۲۷  
 ح  
 حاجی‌لر: ۴۰، ۳۷  
 حسن بزرگ (امر): ۲۰  
 حسن بن زید بن محمد: ۹  
 حسن‌خان دوالو بیگلر بیگی استرآباد: ۲۷۵  
 حسن‌خان یوردماشی: ۲۴۴  
 حسنویه (سلسله): ۱۱  
 حسنویه بن حسین کورت مرزبگای: ۱۱  
 حسین‌خان ارجمندی فرزند کوهی (امر): ۲۷۹  
 حسین‌خان بیگلر بیگی اروان: ۳۲۹  
 حسین‌خان حکمران ماکویه: ۳۲۵-۳۲۴، ۶۳  
 حسین‌خان دولو قاجار یوخاری ماشی: ۳۴-  
 ۲۷۱، ۳۹  
 حسن صفوی (شاه سفیدان): ۳۰، ۲۵-۳۳، ۶۱  
 ۸۶-۸۷، ۱۰۶، ۲۳۲، ۲۹۳، ۲۹۵  
 حسینقلی خان حکمران اروان: ۳۱۲  
 حسینعلی سرزاد فرزند میرزا: ۱۲۹  
 حسینقلی خان ماشی پسر حسینعلی خان چپ سوز:  
 ۲۸۱، ۲۷۶، ۲۷۳، ۲۷۱، ۷۴، ۴۱  
 حسین‌خان چپ سوز: ۳۸، ۲۷، ۲۵-۴۲،  
 ۲۷۵  
 حسینقلی خان حکمران دکیو: ۲۴۹  
 حسینعلی خان ماشی: ۶۸  
 حسینعلی خان سرزاد اروان: ۳۲۸  
 حسینقلی خان قاجار: ۳۵۲، ۲۴۶، ۱۸۰  
 حبیبه: ۲۳  
 حمزه و سوز (حاجی): ۱۵  
 حنی: ۲۳  
 حیدر (سفیدان): ۱۳  
 حیدر وزیر: ۷۴  
 حیدرعلی (قاجار): ۳۴

خ

- خار بیزا : ۳۱۵  
 خار تولی : ۵۹  
 خاقان : ۲۶  
 خاقانی : ۶۰  
 خان ابدال خان کرد : ۲۷۲-۲۷۳، ۲۷۶-۲۷۷  
 ۲۸۱-۲۸۲  
 خانلرخان بن علی مرادخان زند : ۳۹  
 خداداد فراش : ۷۰-۷۱، ۲۳۶، ۳۱۶  
 خرخیز : ۶  
 خرلیخ : ۶  
 خزر : ۶، ۲۹۰  
 خزرها : ۸، ۱۶-۱۸  
 خزینه دارلو : ۱۸  
 خسرو نوشین روان : ۲۳۱  
 خضر : ۱۶۹-۱۷۰  
 خطایی : ۱۸، ۲۳  
 خلخ : ۶  
 خلیفه ارمینان : ۲۱۲، ۲۴۳  
 خلیل (سلطان) : ۲۳  
 خلیل پاشا : ۳۰  
 خلیل خان (حاج) : ۱۰۹  
 خواجه وند : ۲۴۳  
 خوارزمشاهیان : ۱۳  
 خورشید کلاه : ۶۸، ۲۷۵، ۳۱۰
- ۵  
 دابویه : ۹  
 داتوا کزل : ۳۲۰  
 دارا : ۱۰۶، ۱۷۰، ۱۸۴، ۱۸۹، ۲۵۶  
 دارجان ملکه گرجستان : ۳۱۸، ۳۲۳  
 داریوش : ۳۳۳  
 داماد : ۱۰۷  
 دامرون : ۱۰۸  
 داز : ۳۳  
 دامغانی : ۲۴۶
- دانمارکی : ۱۳۱، ۴  
 دانمارکیان : ۲۲۵  
 دانیال : ۱۵۶  
 دانیال جانلیق گرجستان : ۳۱۷  
 داود ارمنی (خواجه) : ۱۰۹، ۲۰۰-۲۰۱  
 داودخان گرجی : ۶۵، ۶۸  
 داود شاهزاده گرجی : ۲۳۷  
 داود بخاندوریان (ملک شاه نظرزاده میر) : ۲۰۱  
 داود ملک شاه نظرشاهپورزاده : ۲۶۳  
 داودی : ۱۶۷، ۱۷۱، ۱۷۳  
 داوید (شاهزاده گرجی) : ۶۰، ۶۸، ۲۳۷، ۳۱۳، ۳۱۵  
 داوید آ بازادزه : ۳۲۰  
 داوید اوربلیان : ۳۲۲  
 داوید پسر ژبورژی پادشاه گرجستان : ۳۱۷-۳۱۸  
 داوید جانلیق گرجستان : ۳۱۷  
 داوید طارا شویلی : ۳۱۳  
 درتیشف : ۲۵۶  
 دنسترویل (ژنرال ماژور) : ۳  
 دو الو : ۲۷۵، ۲۷۷  
 دوانو : ۱۸  
 دوباسانو (هوگ برنار ماره دوک) : ۹۵  
 دوبنوان (برنس) : ۹۸  
 دوپره (آدرین) : ۱۰۷، ۲۲۰-۲۲۱  
 دوچکوف (ژنرال سرگی آنکساندروویچ) : ۳۲۱  
 دوستعلی خان معیرالممالک : ۲  
 دولت آبادی (بحیبی) : ۳  
 دولو : ۷۳، ۲۸۱  
 دوما (ژنرال ژ. ب) : ۲۰۶  
 دوولان : ۸۹، ۲۳۴  
 ده سل (مارکی) : ۱۷۴  
 ده ده فال : ۲۴۰  
 ده فال : ۶۴، ۲۳۵

دیلیم: ۱۲

دیلمان: ۸-۱۱، ۹

دیلمها: ۸-۹

دیلمی: ۹

۲۰۰، ۲

رضائی میرزا افشار: ۳۱۶، ۵۱

رضای قزوینی و محمد رش

رضی تبریزی (میرزا): ۲۰۱

رقیع خان: ۲۸۱

روادیان: ۹

روابید: ۳۰

روح القدس: ۲۹۹، ۱۷۳

روسو: ۱۵۳، ۱۰۷

روسپ: ۲۲، ۴۹، ۶۱، ۷۰، ۷۹، ۸۵، ۸۷، ۸۶

۹۹، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۷

۱۲۳، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۴۱

۱۴۵، ۱۴۷، ۱۵۵، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۸۰، ۱۸۱

۲۰۲، ۲۰۳، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۳۰

۲۳۲، ۲۴۱، ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۳، ۲۵۴

۲۹۹، ۳۰۹، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۸

۳۳۰، ۳۳۵، ۳۳۲، ۳۳۰

روسو: ۴، ۶۸، ۸۳، ۱۳۰، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۸

۱۸۰، ۱۹۱، ۱۹۱، ۲۱۱، ۲۳۸، ۲۴۴، ۲۴۵

۲۴۹، ۲۵۲، ۲۵۵، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۸۳

۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۳، ۳۰۷

۳۰۸، ۳۱۲، ۳۱۸، ۳۳۰، ۳۳۰، ۳۳۰

رومین: ۱۰۱، ۱۰۱، ۱۱۰، ۱۱۰، ۱۱۰، ۱۱۰

رومن: ۱۱۱

رومخوف (سخنبر فئودورویچ): ۲۰۱

رومخوف: ۳۳۲، ۳۱

رومیان: ۲۳۱

رومیا نیکولایوویچ: ۱۳۳

رومیو (تروشان زور): ۱۰۰، ۱۰۰، ۱۰۰

۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۰، ۱۱۰، ۱۱۰، ۱۱۰، ۱۱۰

زیسیو (دوش زامن در شرق): ۱۰۸، ۱۰۸، ۱۰۸

زبون: ۲۱۹

ز

ز توست: ۲۳۱

زریر یسویسی: ۳۱۴

ذ

ذوالفقارخان خمه‌ای: ۲۷۶

ذوالهدراوغلری (خاندان): ۱۵

ر

راشچیوف: ۲۵۶

راجاهان: ۱۰۶

رازین (ستکو): ۸۵

رافائل: ۲۸۷

راماتروف (کنت نیکالا): ۱۲۶، ۱۳۳، ۱۳۴

۱۴۶، ۱۵۰

رانستچیوف: ۲۵۶

ربول: ۱۰۸

ربول: ۲۱۹

ریشچوف ساردانی (ژنرال نیکالای): ۲۵۴

۲۵۶، ۲۶۱، ۳۳۰، ۳۳۴

رحیم خان: ۲۸۱

ردیشچوف: ۲۵۶

ردیشچوف: ۲۵۶

ردیشچوف: ۲۵۶

رستم پسرملیک آبو: ۳۲۲

رستم خان زند: ۲۷۵

رستوراسیون: ۲۰۵

رضاخان دولو قاجار: ۲۸۰

رضاخان دولوی قاجار (حاجی): ۲۸۵

رضاخان زند: ۲۷۴

رضاخان قاجار: ۲۸۲

رضاقلی خان: ۶۰

رضاقلی خان بن محمدحسن خان: ۳۹، ۵۶، ۲۷۱

۲۷۳، ۲۷۵، ۲۷۸، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۵

رضائی خان قاجار قوسو: ۲۷۲-۲۷۴

رضائی خان هدایت لهه پشی میر احمد:





شاهسون: ۲۴۴-۲۴۳، ۲۵، ۱۷	سلیمان خان حکمران گیلان (امیر): ۲۷۸-
شاه علی خان حکمران در بند: ۳۲۵	۲۸۵، ۲۸۰
شاه قلی خان: ۲۲	سلیمان خان سردار: ۳۲۲
شاه قلیخان قاجار: ۳۱	سلیمان خان شکلی: ۶۵
شاهنواز خان: ۶۲	سلیمان خان قاجار: ۳۲۲، ۲۸۴-۲۸۳
شاهوردی خان: ۳۱۲	سلیمان خان نظام الدوله: ۳۹
شاهسون: ۱۷	سلیمان صفوی (شاه): ۸۶-۸۵، ۲۲
شجاع الدین خان زند: ۳۴	سلیم خان حکمران شکلی: ۶۵
شجاع الملک: ۱۳۷، ۱۳۲	سلیم خان حکمران گرجستان: ۶۱
شهادیان: ۹	سن ژوز: ۳۳۲، ۲۵۶
شریف پاشا: ۳۲۸	سنی: ۲۶۶-۲۶۵
شفت (سرهنگ): ۲۴۹، ۲۴۷	سواروف (ژنرال الکساندر): ۲۳۴، ۸۹
شفیع طبیب حرمخانه (میرزا): ۱۱۰	سوباتایلو: ۱۸
شعیب قدیمی مازندران صمد عظم (میرزا)	سولومون پادشاه اسرن: ۳۲۶
۱۳۰، ۱۲۸، ۱۲۶-۱۲۵، ۱۲۰-۱۱۸، ۱۱۰، ۷۳	سوئدی: ۴
۲۳۲، ۱۳۵، ۱۴۰-۱۴۶، ۱۴۲-۱۵۱، ۱۴۸	سوئدیها: ۱۳۲
۱۸۸، ۱۸۶، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۶، ۲۰۸	سویمون: ۳۱۵
۲۴۳، ۲۲۲-۲۲۱، ۲۱۸	سویمون (ژنرال لیوتان): ۳۳۳
شکریت: ۳۲	سیاه (طایفه): ۲۷۵
سمن الدین لو: ۲۵۷، ۲۵۳	سیکها: ۱۳۷
شهر: ۳۱	سینجیا: ۳۱۳
شهنوازخان: ۶۱	ش
شیخمنی خان بن فتحعلی خان: ۶۳	شادلو: ۳۷
شیخمنی خان حکمران دکن: ۲۸۳، ۲۷۹	شادی: ۱۱
شیخمنی خان حکمران قزاقستان: ۲۵۰-۲۴۹	سافیرو (بزرگ پسر): ۳۰۰
۳۳۰	سامبیایی: ۱۷
سجمنی خان ز: ۳۸-۳۵	شمپانیی: ۱۳۴، ۱۳۲، ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۵-۱۲۳
سیخ و حسن خان: ۲۸۳	۱۳۹، ۱۴۵، ۱۴۸-۱۵۰، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۴
سیرسای سوری: ۲۸۹	۲۲۸
شبه: ۲۶۶، ۲۶۵، ۲۵۰، ۵۱	شسوی: ۱۸
شوش: ۳۳۵	سه پدخان: ۳۱۹
ش	شاه پندمان فغن: ۳۴
شاهد: ۱۵۴، ۷۶، ۲۱	شاه پلگ: ۶۲
شاهیدون ز نفی	سهرخ میرزا همدان: ۵۱، ۲۵، ۵۱، ۵۲، ۵۷
شاه شریکبیر: ۲۵۰	۳۱۶

- صادق خان: ۳۴۲  
 صادق خان زند: ۲۷۳، ۴۳  
 صادق خان شقاقی: ۳۱۶، ۷۴، ۷۱، ۶۹  
 صادق خان قاجار عزالدین لو: ۲۴۶  
 صادق خان گرجی: ۲۳۶، ۷۱-۷۰  
 صادق خان بخاری پاش: ۳۷  
 صادق منجم پاشی لنگرودی (میرزا): ۲۷۴، ۲۷۷  
 صادق وقایع نگار مروزی (میرزا): ۵  
 صبا: ۱۱۳  
 صفر علی خان قوانلو: ۳۶  
 صفوی (سلسله): ۲۳، ۱۸، ۲۳، ۳۰، ۴۶، ۳۰، ۴۹، ۵۱  
 صفوی (طریقه): ۲۳، ۱۷  
 صفویه: ۲۸، ۲۷، ۲۵، ۲۲، ۲۰، ۱۹، ۱۷، ۷، ۲  
 صفی (شاه): ۳۰-۲۹  
 صفی الدین اردبیلی (شیخ): ۲۷، ۲۳، ۱۷  
 صفی دوم (شاه): ۸۵  
 صقلاب: ۸۵  
 صلاح الدین ابوالمظفر یوسف بن ایوب بن شادی: ۱۱  
 صنیع، لدوله ر. محمد حسن طوظ  
 طالبان پرنس دینونت (شارال مورس): ۱۹۹  
 طالبانزیر شویلی: ۳۱۴  
 صفاتیپور خان: ۱۵  
 طهماسب اول (شاه): ۳۱، ۲۸، ۲۴  
 طهماسب دوم (شاه): ۲۹، ۲۸، ۳۳، ۳۲، ۳۰  
 طهماسب اول (شاه): ۳۰، ۴، ۲۹، ۲۹، ۲۹، ۳  
 طهماسب اول (شاه): ۳۱۴  
 طهماسب قلی خان (بازر شاه): ۳۰، ۸، ۲۹، ۹  
 طهماسب قلی خان قاجار: ۳۰-۲۹
- طهمورث خان: ۲۲۳  
 طهمورث شاهزاده گرجی: ۳۲۰، ۳۱۸  
 طهمورث میرزا: ۲۴۰  
 ظهیرالدین بایر: ۲۸۹، ۱۴  
 ع  
 عاد لشاه افشار: ۵۳، ۴۶  
 عباس اول (شاه): ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۶۱، ۲۸۵، ۲۳۳، ۲۳۳، ۲۱۱، ۸۲  
 عباس خان قاجار: ۲۸۵، ۲۸۰  
 عباس خدمتگزار آقا محمد خان: ۷۱  
 عباس دوم (شاه): ۳۰  
 عباسقلی خان بغایری: ۳۴  
 عباس قلی خان بن محمد حسن خان: ۳۹  
 عباسقلی خان حکمران گرجستان: ۶۱  
 عباس میرزا: ۳  
 عباس میرزا ملک آرا: ۲  
 عباس میرزا نایب السلطنه: ۸۱، ۷۸-۷۷، ۲۲  
 عباسی (خلفای): ۱۱  
 عبدالرحمن پاشا: ۱۴۷، ۱۴۱، ۱۳۶  
 عبدالرحیم خان شیرازی: ۶۲  
 عبدالرزاق بیک دنیلی متخلص بمقتون: ۱۵، ۵، ۲۴۰  
 عبدالله خان: ۶۳  
 عبدالله خان اصانلو: ۲۸۵-۲۸۰  
 عبدالله خان پسر حاج محمد حسین خان اصفهانی: ۶۱۶-۲۱۲  
 عبدالملکی: ۲۴۳  
 عبدالوهاب اصفهانی معتمد الدوله متخلص بنشاط (میرزا): ۱۷۲، ۱۵۴

- عبد الوهاب پسر آقا علی اشرف معروف به مدرس ۲۸۴  
 (حاج): ۵  
 عثمان (آل): ۱۵، ۴۹، ۷۷، ۸۱، ۸۶، ۹۰، ۱۵۸  
 عثمانیان: ۳۲۸  
 عثمانیه: ۲۳۴  
 عجم: ۲۶۷، ۲۶۰  
 عراقی: ۲۷۳  
 عرب: ۱۱، ۱۷-۱۸، ۷۸، ۲۹۰  
 عربی: ۹۴، ۲۵۰  
 عزالدین لو: ۱۸  
 عسکرخان افشار ارومی: ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۲۰  
 ۱۲۴-۱۲۵، ۱۲۷، ۱۳۳، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۹  
 ۱۷۴، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۱، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۰۰  
 ۲۲۳، ۲۴۹، ۳۲۴  
 عضدالدین لوفاجار: ۴۱  
 علاء الدوله ابو جعفر محمد بن دهن زیار  
 کاکویه: ۹  
 عدویان: ۱۰  
 علی بک (میرزا): ۱۶۵-۱۶۶  
 علی پاشا: ۱۳۶  
 علی خان (سازنده): ۲۴۵  
 علی خان افشار: ۴۷  
 علی خان دونو حکمران شیراز (میرزا):  
 ۲۷۵  
 عیسی خان سردار: ۳۵۳  
 علی خان قاجار قزوینی: ۳۷۴-۳۷۵  
 علی خان قیجی: ۳۴  
 علی سلطان: ۲۸  
 علی طایب بی (سید): ۲۵۰  
 علیقلی بن محمد چالوی مرزندری: ۵  
 علیقلی خان بن محمد حسن خراسانی: ۳۹  
 علیقلی خان حکمران سرو: ۶۵  
 علیقلی خان حکمران گرجستان: ۶۱  
 علیقلی خان سمشون: ۲۴۳-۲۴۵  
 علیقلی خان قاجار دونو: ۲۱۳، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹
- عفی مراد خان زند: ۲۷۲، ۲۷۵، ۳۹، ۴۳  
 ۲۷۷-۲۷۸، ۲۸۳  
 عمادالدوله ابوالحسن عفی پسر بویه دیسی:  
 ۹  
 عمر سلطان: ۲۹۶  
 عنازی (سمنه): ۱۱  
 عیسوی: ۸۹، ۱۷۱، ۱۸۲، ۱۸۸، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۶۴  
 ۲۶۶  
 عیسویت: ۲۳۲  
 عیسویه: ۱۷۲-۱۷۳، ۱۸۹، ۱۹۱، ۳۱۰  
 عیسویین: ۱۹۳  
 عیسی: ۱۹۹  
 عیسی خان حکمران گرجستان: ۳۱، ۳۲، ۳۳  
 عیسی خان کرد: ۳۴  
 عیسی قیبه مقدم فرهادی (میرزا): ۷۹، ۸۱  
 ۲۴۵، ۳۲۸
- عردن (ژرژ): ۱۱۳-۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۸  
 ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱  
 غن: ۷-۱۳، ۱۷  
 غزنوی: ۲۸۹
- ف  
 فابریس (کازینیکاز-رون): ۱۰۷، ۱۱۲، ۲۲۰  
 ۲۰۵-۲۱۰، ۳۱۹  
 فارسی: ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳

فرزاد (حسین): ۳	فتحعلیخان قاجار (فتحعلی شاه): ۲۷۹، ۲۷۶
فرنیس: ۱۷۷	فتحعلی خان قاجار: ۲۵-۲۸، ۳۱، ۳۲، ۳۹، ۴۳، ۷۵، ۲۹۵
فرنکی: ۱۹۷	فتحعلی خان قبه: ۲۷۹، ۶۳
فرهاد (محمود): ۲	فتحعلی خان کنول: ۶۸
فرهاد میرزا معتمدالدوله: ۲۲	فتحعلی خان نوری قوریساول باشی: ۱۱۳-
فضل الله حسینی شبرازی متخلص بخاوری (میرزا): ۵	۱۴۲، ۱۱۷، ۱۱۴
فضلعلی بیک جوانشیر: ۲۴۵	فتحعلی شاه قاجار: ۴-۵، ۲۱، ۳۸، ۴۱، ۴۸، ۵۰، ۵۶، ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۸۴، ۹۰، ۹۴، ۹۸، ۱۰۰-
فضلعلی بیک قاجار: ۳۱-۳۲	۱۰۱، ۱۰۸، ۱۱۵-۱۲۱، ۱۲۲-۱۲۴، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۳۷-۱۳۹، ۱۴۱، ۱۵۱-۱۵۴، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۸-۱۶۹، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۸۰، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸-۲۰۲، ۲۰۳-۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۵-۲۱۹، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۳۰، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۵۱-۲۵۳، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۷، ۲۷۳-۲۷۶، ۲۷۴-۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۱۶-۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۴-۳۲۶، ۳۲۷-۳۳۰، ۳۳۲-
فلاطون: ۱۸۷	۳۳۶
قناخان: ۳۱۲	فخرالدین اسعدگرگانی: ۵۹
فلاهدی: ۲۹۰	فرانسوی: ۵۳، ۸۰، ۸۹، ۹۰، ۹۲، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۹-۱۲۱، ۱۲۷، ۱۶۸، ۱۸۳، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۷، ۲۱۱-۲۱۵، ۲۱۷، ۲۲۱، ۲۲۳-۲۲۴، ۲۳۰، ۲۳۴، ۲۳۷، ۳۲۷
فلانديپا: ۲۹۰	فرانسویان: ۹۰، ۹۲، ۹۵، ۹۷، ۱۲۲، ۱۳۰-۱۳۲، ۱۳۷، ۱۴۷، ۱۵۲، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۹، ۲۱۸-۲۲۲، ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۳۹، ۲۶۹، ۲۷۰، ۳۱۲
فیراوجر کریشوبلی: ۳۲۰	فرانسه: ۵۴، ۱۰۰، ۱۰۲-۱۱۵، ۱۲۹، ۱۴۴، ۲۰۰-۲۰۱، ۲۲۶، ۲۳۹، ۲۶۷، ۲۶۹-۲۷۰، ۳۱۲
فیروزشاه خلجی (جلال الدین): ۲۸۹	فرانسیس: ۱۱۸-۱۱۹، ۱۶۲-۱۷۷، ۱۷۰
فیروز کوهیبا: ۲۸۴	فرانکو پولو: ۱۰۷
فیلفوس: ۱۸۳، ۱۸۱، ۱۵۶	فرج الله خان: ۱۴۱، ۲۲۱
فیلقوس: ۱۵۶	فرنوسی: ۵۹
فیلبوس: ۱۵۶	
فینو: ۱۰۸	
ق	
قاجار: ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۲، ۲۵-۳۳، ۳۵، ۳۸-	
۳۹، ۴۱، ۴۳، ۴۵، ۴۸-۵۶، ۶۳، ۷۱، ۷۳، ۷۷، ۲۷۸	
قاجارنومان: ۱۹-۲۰، ۲۲	
قاجارها: ۱، ۵، ۷، ۸-۱۳، ۱۴، ۱۶، ۲۵-۲۷، ۲۹، ۳۱، ۳۴، ۳۸، ۳۹، ۴۲، ۴۷، ۴۸، ۵۶، ۷۳، ۷۵، ۷۷	
۲۳۹، ۲۷۴، ۲۷۷، ۲۹۰، ۲۹۲، ۳۱۲	
قاجاری: ۵	
قاجاریه: ۵، ۵۸، ۲۸۵	
قاسوف: ۱۵	
قاسقای: ۱۸	
قاخلو: ۱۸	
قایم مقامی (جهانگیر): ۳	
قبچاق: ۶، ۳۷	

کاظم (میرزا) : ۳۸  
 کالوک : ۸۷ ر. کلوک  
 کنلراوسلی : ۲۴۶  
 کتول : ۳۷، ۴۰، ۴۸  
 کدو خان : ۶۶  
 کدویچ : ۱۶۵  
 کرافس خان روسی : ۲۷۷-۲۷۸  
 کرابلی : ۳۷  
 کرد : ۱۰-۱۲، ۱۷، ۷۶  
 کردان : ۱۱، ۲۹-۳۰، ۳۲، ۳۷، ۴۰، ۴۷  
 کردان خراسانی : ۳۷  
 کردان شادلو : ۳۷  
 کردان محمودکا : ۲۹  
 کردها : ۱۰، ۱۴۸  
 کردکا : ۱۱  
 کرمس خان : ۲۷۴  
 کرلو : ۱۸  
 کرم خان زند : ۳۴  
 گرمیان : ۱۵  
 گریستین : ۲۵۸  
 کریم خان زند : ۲۵، ۲۳، ۳۶، ۳۸، ۴۳، ۴۶  
 ۵۱، ۵۵-۵۸، ۶۵، ۶۶، ۷۲، ۷۱، ۲۷۳، ۲۷۵  
 ۲۷۷  
 کسروی (سید حمد) : ۳۰  
 کسرخ : ۲۶۷  
 کتیری : ۱۹۰، ۲۲۲  
 کهنر : ۳۷  
 کبچی خاں حکمران گرجستان : ۶۱، ۳۳۲  
 ۳۱۴  
 کبعلو خان : ۳۰  
 کسیمی خاں کنگر : ۲۵۵  
 کبی خان قجور : ۳۹-۳۰  
 کسوٹ : ۶ ز کلوک  
 کنگر نو : ۲۵۵  
 کورس کوف (م. ژور زرن) : ۳۳۲

قبا قبا : ۱۶، ۱۸-۱۸  
 قبله عالم : ۲۰۸  
 قجر : ۲۵  
 قرا باغی : ۳۳۱  
 قرا با پاخ : ۶  
 قرا جار نویان : ۲۲  
 قرا جه نوین : ۲۲  
 قراختایان : ۱۳  
 قراقالیاق : ۶  
 قراقوزی (اسب) : ۳۵  
 قراقویو بلوھا : ۱۴-۱۵، ۱۸، ۲۴  
 قرچکای خان : ۶۱  
 قرغیز : ۶  
 قرلیخ : ۶  
 قزاق : ۶، ۸۵، ۸۷، ۲۴۳، ۲۵۷، ۳۲۳-۳۲۴  
 قزاقان : ۲۴۳، ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۲۳-۳۲۴  
 قزلباشا : ۱۷-۱۸، ۲۳، ۳۰  
 قشقایی : ۱۷-۱۸، ۲۲، ۲۵  
 قنبر علی مشهدسری (حاجی) : ۳۴  
 قواللو : ۱۸، ۶۷  
 قوزاللو (جمیل) : ۳-۴  
 قوینلو : ۲۷۵  
 قهرمان میرزا : ۵  
 قهرمان میرزا پسر گورژین : ۳۱۴  
 قهرمای (سرف الدین میرزا) : ۳۰-۴، ۱۱۹

### ک

کاترین : ۶۶  
 کاسکین (ایوان) : ۳۱۰-۳۱۱  
 کاتیاروسکی (رئران مازور پترستفانیچ)  
 ۲۵۲، ۳۳۱-۳۳۲  
 کاتولیک : ۲۱۲  
 کاندور (دوک دو) : ۲۰۰  
 کازساکف (رئران) : ۸۹، ۳۴۴  
 کازپ گین : ۳۲۳

گر جیان : ۲۹، ۵۰، ۵۲، ۵۹، ۶۱، ۶۴، ۶۷، ۶۹-  
 ۳۱۵، ۲۴۸، ۲۴۴، ۲۴۰، ۲۳۶، ۸۶، ۸۱، ۷۰  
 ۳۲۷-۳۲۶، ۳۲۲  
 گر جیبا : ۲۴۱  
 گر گی دوازدهم : ۶۱، ۶۵، ۶۸  
 گر گین (سرهنگ) : ۲۴۶، ۲۴۸  
 گر گین خان : ۳۰، ۳۵، ۶۸، ۷۰، ۱۷۹، ۲۳۳  
 ۲۳۷-۲۳۸، ۲۴۰  
 گروزینسکی (فوج) : ۳۳۱  
 گریبا بدوف : ۸۱  
 گریب : ۲۸۶  
 گلاسنوپ : ۲۵۳

گوداویچ (مارشال کنت ایوان (ژان)  
 واسیلیویچ) : ۶۹، ۷۰، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۵-  
 ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۳۸، ۱۴۲، ۱۴۴-۱۴۶،  
 ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۹۰، ۱۹۲،  
 ۱۹۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۵۲، ۳۱۷، ۳۲۵-۳۲۷  
 گوردون (سررا برت) : ۳۳۱  
 گورژینا (میرزا) : ۳۱۴  
 گورژیا رامینیشویلی : ۳۲۰  
 گونه خان قاجار (امیر) : ۲۹  
 گیخاتوخان : ۲۰  
 کیل : ۱۲، ۹  
 کیلان : ۱۱، ۹  
 کیلانی : ۶۲  
 کیل کیلان : ۸  
 کیلها : ۸  
 گیورگی : ۲۵۶  
 گیورگی دوازدهم : ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۳۷  
 گیومینو : ۲۰۵

ل

لابلاش : ۱۱۱، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۹۴، ۲۰۳  
 لاتین : ۲۵۶، ۲۶۹  
 لاجینی : (ایوان القاسم) : ۲  
 لازارف (ژنرال) : ۲۴۰

میخایلوویچ : ۳۱۵  
 کوک خان : ۲۲  
 کوکلان : ۴۱  
 کوکجه سلطان قاجار : ۲۸  
 کولیسکوف (ژنرال) : ۲۴۰  
 کپنه لو : ۱۸  
 کیانی : ۶۷  
 کیخسرو آبشیدزه : ۳۲۱  
 کیخسرو آوالیشویلی (سفره چی) : ۳۱۴  
 کیخسرو کرچی : ۲۸  
 کیرف (ژ. د) : ۱۷۰  
 کیفر (ژ. د) : ۱۰۷  
 کیماک : ۶

ص

گابریل شاهزاده کرچی : ۳۳۰  
 گادونف (باریس) : ۲۳۲  
 گاردان (ژنرال کلود ماتیو کنت دو) : ۱۰۱-  
 ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۸،  
 ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۵،  
 ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۵۹، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۲،  
 ۱۷۶، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۸-  
 ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۵، ۲۱۷-  
 ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۳۰-۲۳۱  
 گاردان (آنر دو) : ۲۰۴  
 گاردان (کنت آفر دو) : ۳، ۱۶۶  
 گاردان (برادر ژنرال) : ۱۰۷، ۱۶۵، ۱۶۶  
 کالیتین (سرگی) : ۳۰۵، ۳۱۰  
 گدا علی خان قاجار : ۳۰  
 گدویچ : ۱۹۵  
 گرای (خاندان) : ۱۵  
 گرج : ۵۰  
 گرجاسب ناتالیشویلی : ۳۱۲  
 گرجی : ۴۹، ۵۹، ۶۴، ۶۷، ۷۶، ۲۲۳، ۲۳۳،  
 ۲۳۵، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۸۶، ۲۸۸، ۳۰۶، ۳۱۳،  
 ۳۱۹-۳۲۰، ۳۲۳، ۳۲۷

- لازار: ۱۰۷، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۸-۱۵۰، ۱۹۵، ۲۰۵، ۲۴۰، ۲۴۴
- مترتبیخ (پرنس): ۷۹، ۱۱۹، ۱۲۲، ۲۶۳  
مجلسی: ۳۰  
مجنون ر. ملک مجنون  
مختشم توری (عباس): ۳  
محمد آقای عمراللو (حاج): ۲۷۸  
محمد ابراهیم کلاتر: امتداد: موله صدر اعظم  
(حاج): ۴۴، ۶۲، ۶۴، ۷۳، ۷۴، ۱۱۴-۱۱۵، ۱۸۶، ۱۸۹، ۲۰۰  
محمد ابراهیم کلباسی (حاج): ۲۵۰  
محمد ابراهیم مستوفی سرکاری (میرزا): ۳۰۰  
محمد اسمعیل (میرزا): ۲۹۶  
محمد اصلان خان: ۳۳۰  
محمد المعتمم بالله (ابو اسحق): ۱۱-۱۲  
محمد باقر حجة الاسلام اصفهانی (حاج سید): ۲۵۰  
محمد باقر ویجوبه (حاج): ۳  
محمد بن سام غوری (میر لیدین): ۲۸۹  
محمد بن عناد (بو الفتح): ۱۱  
محمد بن محمد تقی ساروی: ۵  
محمد بیگ: ۶۳  
محمد پشا: ۲۹  
محمد تقی بیگ قاجار: ۳۲  
محمد تقی مسهرک شنی لندن لندن (میرزا): ۱۱۳، ۱۰۰، ۲  
محمد حسن آقا قرباغی: ۳۳۰  
محمد حسن بن محمد زحید نجفی صمدی (آقا): ۵  
محمد حسن خان قشار: ۳۳۵  
محمد حسن خان پسر ابراهیم حسین خان: ۲۴۵  
محمد حسن خان حکمران بوخا: ۳۲۴  
محمد حسن خان سفیر ایران در قندهار: ۶۹  
محمد حسن خان شکلی: ۶۵
- لازار: ۱۰۷، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۸-۱۵۰، ۱۹۵، ۲۰۵، ۲۴۰، ۲۴۴
- لازار (ژنرال): ۳۲۰
- لامی: ۱۰۷، ۱۴۸، ۱۸۲، ۱۸۳-۱۸۵، ۱۸۶، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۲۳
- لرها: ۱۱
- لرگیان: ۵۹، ۶۸، ۳۱۴-۳۱۵، ۳۲۱، ۳۲۱ ر. لکزیان
- لژیون دونور: ۱۴۸، ۹۵
- لسان السلك: ر. محمد تقی
- لطفعلی بیگ سواد کوهی: ۲۷۶
- لطفعلی خان بن جعفر خان زند: ۴۴-۴۵، ۵۵-۵۶
- لطفعلی خان دادوی: ۲۷۲
- لکزیان: ۵۹، ۶۱، ۶۹، ۷۰ ر. لکزیان
- لواشو (سر لشکر واسیلی): ۲۹۶، ۳۰۰
- لوان دوم: ۶۱
- لوراسب شاهزاده گرجی: ۳۲۰-۳۲۱
- لوی شانزدهم: ۱۰۸-۱۰۹
- لوی فیلیپ: ۲۰۵
- لویی پانزدهم: ۲۳۳
- لویی هیجدهم: ۱۸۸
- لهستانی: ۴
- لهراسب شاهزاده گرجی: ۳۲۰
- لیزانویج (نایب سرهنگ دیستری نیخونیچ): ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۸، ۳۲۹
- لئون آباشیدزه: ۳۲۱
- لئون شاهزاده گرجی: ۳۲۰-۳۲۱
- م
- مارشال: ۱۰۸
- ماره (هوگ برنار): ۹۵، ۹۸، ۲۲۸، ۲۶۷
- ماری: ۶۸
- مازندرانی: ۶۴، ۲۳۵، ۲۷۹
- ماموتوف (ن. پ): ۳
- مانی: ۱۵۷
- ماهراتپا: ۱۰۶

- محمد حسن خان صنيع الدوله: ۲۸۰، ۲۷۸  
 محمد حسن خان قاجار: ۲۵، ۲۷، ۲۳، ۳۹، ۴۲، ۴۶، ۲۷۴، ۴۶  
 محمد حسين آقاي ناظر: ۲۷۸  
 محمد حسين امين الدوله اعتماد الدوله صدر اعظم  
 اصفهاني (حاج): ۴۷، ۱۲۸، ۱۴۷، ۱۱۲، ۲۱۵، ۲۱۶  
 محمد حسين بن فتحعلي خان قاجار: ۳۳  
 محمد حسين خان: ۲۴۵  
 محمد حسين خان ارجمندي فروز کوهي (امير):  
 ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۴  
 محمد حسين خان شيرازي: ۶۲  
 محمد حسين خان قاجار: ۳۲، ۳۳  
 محمد حسين خان قاجار قوايلوي ناظر: ۲۸۴  
 محمد حسين خان قاجار قوينلو: ۲۷۹  
 محمد حسين خان قوايلو: ۶۲  
 محمد حسين علاف اصفهاني: ۴۶  
 محمد خان افشار: ۱۱۰  
 محمد خان بن زكي خان زند: ۲۴  
 محمد خان بيگلر بيگي ابروان: ۶۸  
 محمد خان پسر رفيع خان: ۲۸۱  
 محمد خان ترکمان: ۳۲  
 محمد خان جاکله: ۳۲  
 محمد خان حکمران ابروان: ۳۱۷، ۳۲۱  
 ۳۲۶  
 محمد خان حکمران خوي: ۲۴۶، ۲۴۷  
 محمد خان حکمران مازندران: ۲۷۶  
 محمد خان دواليو: ۲۸  
 محمد خان دواليو قاجار (ميرزا): ۷۴  
 محمد خان دولو (ميرزا): ۲۸۱  
 محمد خان درنوک قاجار: ۲۸۵  
 محمد خان زياد اوغلي قاجار: ۲۹  
 محمد خان سواد کوهي دادو: ۴۰  
 محمد خان قاجار ابرواني: ۶۳  
 محمد خان قاجار پيشخدمت باشي: ۳۱۶-  
 ۳۱۷  
 محمد خان قاجار حکمران ابروان: ۲۴۳-  
 ۲۴۹، ۲۴۵  
 محمد خان قاجار عضد الدين لو: ۳۹، ۴۲، ۴۰،  
 ۲۷۱  
 محمد خان قاجار قوينلو: ۲۷۹  
 محمد خان قراگوزلو (حاج): ۲۴۸  
 محمد خان قوايلو: ۳۶، ۳۸، ۳۹  
 محمد خان لاريچاني (ميرزا): ۲۷۹-۲۸۰،  
 ۲۸۴-۲۸۵  
 محمد خدا بنده (شاه): ۲۴، ۲۸  
 محمد رحيم خان بن کریم خان: ۳۹  
 محمد رضا خان قزويني (ميرزا): ۹۴، ۹۶،  
 ۱۰۱، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۵۶،  
 ۱۵۸، ۱۶۹، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۷، ۲۷۱  
 محمد رضا مستوفي (ميرزا): ۱۴۷  
 محمد زمان بيگ: ۳۳  
 محمد زمان خان: ۲۸۰  
 محمد سبزواري اخباري (حاج ميرزا): ۲۵۰-  
 ۲۵۲  
 محمد شاه: ۵۶، ۵۷، ۷۵، ۸۱، ۱۱۳، ۱۸۶، ۲۲۲  
 محمد شاه عندي: ۹۰  
 محمد شفيع ر. شفيع  
 محمد صادق مروزي متخلص بهما (ميرزا):  
 ۲۳۹  
 محمد صالح لاهيجي (آقا): ۲۷۴، ۲۷۷  
 محمد سيدال خان: ۲۹۶  
 محمد علي آقاي دولو: ۳۸  
 محمد علي بيگ قاجار: ۳۱، ۳۲  
 محمد علي خان پسر فتحعلي شاه: ۳۲۷  
 محمد علي خان زند: ۴۳  
 محمد علي خان ضامبياتي: ۲۴۸-۲۴۹  
 محمد علي ميرزا: ۹۵، ۹۶، ۱۰۱، ۱۱۶، ۲۰۱،  
 ۳۳۴-۳۳۵





- ملک مجنون: ۶۳  
ملیک آبو: ۳۲۲  
ممسنی: ۱۰  
منتشا اوغوللری: ۱۵  
منشور گراکانی (م. ع.): ۳  
منتشی الممالک ر. تقی  
منکوقا آن: ۲۰  
موروو (ژنرال): ۱۰۲  
موره: ۳۳۵  
موریه: ۳۳۱  
موسری: ۱۸۷  
موسی: ۱۷۳  
موسی منجم باشی لاهیجانی (میرزا): ۲۴۷  
مون برزور (یاور): ۳۱۹-۳۲۰-۳۲۲  
مؤید امینی (داور): ۳  
مهدي عليا: ۴۱، ۲۷۳  
مهدي خان بن محمد خان دادو: ۴۰-۴۱  
مهدي خان پسر ابراهيم خان حکمران قرا باغ:  
۳۳۶-۳۳۵-۳۳۶  
محمد خان تنکابنی: ۲۸۴  
مهدي خان حکمران تنکابن: ۲۷۹  
مهدي خان حکمران قرا باغ: ۳۲۹-۳۳۱  
مهدي خان سواد کوهی: ۲۷۶  
مهدي خان قاجار: ۳۱  
مهديقلی خان: ۲۸۲  
مهديقلی خان بن محمد حسن خان: ۳۵، ۵۶  
مهديقلی خان پسر ابراهيم خان حکمران  
قرا باغ: ۳۲۶  
مهديقلی خان قاجار: ۲۴۶-۲۴۷-۲۷۲-۲۷۳  
۲۷۶-۲۷۷-۲۸۱  
مهديقلی خان قاجار دولو: ۲۴۲-۲۴۳  
مهرباب خان قاجار: ۲۹-۳۱  
مسرآب: ۱۳۷  
میرخوند: ۲
- میریان: ۹۰  
ن  
ناپالیون: ۱۹۹  
ناپلئون اول: ۷۹، ۵۳-۸۰-۸۲-۸۳-۹۰-۹۵  
۹۸-۱۰۳-۱۰۶-۱۰۸-۱۱۷-۱۲۰-۱۲۳-۱۲۵  
۱۲۷-۱۲۸-۱۳۲-۱۳۴-۱۳۹-۱۴۵-۱۴۸  
۱۵۰-۱۵۴-۱۵۶-۱۵۹-۱۶۴-۱۶۶-۱۶۸  
۱۷۰-۱۷۲-۱۷۶-۱۸۰-۱۸۲-۱۸۴-۱۸۶  
۱۸۸-۱۹۰-۱۹۲-۱۹۴-۱۹۶-۲۰۴-۲۰۸  
۲۰۹-۲۱۵-۲۱۷-۲۱۸-۲۲۰-۲۲۶-۲۲۸  
۲۳۰-۲۳۴-۲۴۱-۲۴۲-۲۵۳-۲۵۴-۲۶۳  
۲۸۹، ۲۹۱  
ناپلئون: ۱۱۳  
ناپولیون: ۱۹۸  
نادرشاه افشار: ۳۳-۴۵-۴۶-۵۱-۵۳-۵۷  
۶۶-۶۸-۷۱-۷۲-۸۲-۸۷-۸۸-۹۰-۹۹-۱۵۲  
۲۸۹، ۲۹۹، ۳۰۴، ۳۰۸-۳۱۰، ۳۱۶  
ناصرالدین سبکتکین: ۱۳، ۲۸۹  
ناصرالدین شاه: ۲، ۶۲، ۷۵  
ناظم الاسلام کرمانی: ۳  
نایب السلطنه ر. عباس  
نبولسین (ژنرال): ۳۲۶-۳۲۸  
نبی (حاجی): ۶۵  
نجف خان کرد شادلو: ۳۷  
نجفقلی خان گروسی: ۲۴۶  
نجفقلی خان نوری: ۲۷۹، ۲۸۴  
نجمی (ناصر): ۲  
نرسیا (اوگوست آندر آسدو): ۱۰۷، ۱۴۴  
۲۲۰  
نروژی: ۴  
نشاط: ۱۵۴، ۱۷۰، ۱۷۲  
نصاری: ۵۲، ۶۰، ۷۵، ۸۲، ۸۶، ۲۱۲، ۲۳۱  
۲۳۴، ۲۳۷، ۲۳۹، ۳۰۶، ۳۱۵  
نصرالله خان: ۱۳۵